

چگونه مسائل دگرباشان جنسی را پوشش دهیم



I G L H R C
HUMAN RIGHTS FOR EVERYONE.
EVERYWHERE.

راهنمای آموزشی

ویژه روزنامه‌نگاران و رسانه‌های فارسی زبان

کمیسیون بین‌المللی حقوق بشر زنان و مردان همجنس‌گرا
۲۰۱۳

تمام حقوق این اثر محفوظ و مخصوص کمیسیون بین‌المللی حقوق بشر زنان و مردان همجنس‌گرا IGLHRC است. این اثر مطابق قوانین بین‌المللی به ثبت رسیده است و مانند دیگر مطالب مندرج در تارنمای IGLHRC تکثیر و باز نشر آن توسط نهادهای غیرانتفاعی یا آموزشی به صورت رایگان، آزاد است و نیازی به اجازه کتبی نیست. هرگونه ارجاع به این اثر یا بازنشر آن باید با ذکر مأخذ همراه باشد.

مسائل دگرباشان جنسی را چگونه پوشش دهیم

راهنمای آموزشی
ویژه روزنامه‌نگاران و رسانه‌های فارسی

کمیسیون بین‌المللی حقوق بشر
زنان و مردان همجنس‌گرا



I G L H R C
INTERNATIONAL GAY AND LESBIAN
HUMAN RIGHTS COMMISSION

Copyright © 2013 by IGLHRC.

شماره ثبت بین‌المللی: 1-894256-61-2

بهار ۱۳۹۳ - ۲۰۱۳

فهرست مندرجات:

- ۴ • پیش‌گفتار
- ۵ • فصل اول: سازمان ملل متحد و حقوق دگرباشان جنسی
- ۱۵ • فصل دوم: مفاهیم نظری در ارتباط با سکسوالیته، جنسیت و گرایش جنسی
- ۲۴ • فصل سوم: سکسیت، جنسیت و جنس‌گونه‌ی دگرباشان جنسی
- ۳۶ • فصل چهارم: واژه‌ها و اصطلاحات مورد نیاز در حوزه جنسیت و گرایش جنسی
- ۴۶ • فصل پنجم: زبان کوچه و خیابان: زبانی که هر روزنامه‌نگار بهتر است بیاموزد
- ۵۳ • فصل ششم: آشکارسازی و فرهنگ «گنجه»
- ۵۵ • فصل هفتم: همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا و تراجنسیتی‌ستیزی
- ۵۷ • فصل هشتم: تاریخچه «درمان» دگرباشان جنسی
- ۶۱ • فصل نهم: نمادها و تاریخ‌های مهم
- ۶۵ • فصل دهم: قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران
- ۶۷ • فصل یازدهم: ادیان و دگرباشان جنسی
- ۷۱ • فصل دوازدهم: اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در رابطه با دگرباشان جنسی
- ۷۴ • انجمن‌ها، نهادها و نشریات دگرباشان جنسی ایرانی

پیش‌گفتار

«کمیسیون بین‌المللی حقوق بشر زنان و مردان همجنس‌گرا»، این کتابچه راهنما را برای استفاده رسانه‌های فارسی زبان، کارشناسان ارتباطات و روزنامه‌نگاران به منظور آگاهی بخشی در حوزه دگرباشان جنسی، کاربرد اصطلاحات صحیح سیاسی و نحوه پوشش غیرتبعیض‌آمیز مسائل مربوط به زنان و مردان همجنس‌گرا، دوجنس‌گراها، دوجنسی‌ها، دگرجنس‌پوش‌ها و دگرجنس‌شده‌ها تهیه کرده است. هدف این کتابچه، ایجاد ارتباط فکری، زبانی و فرهنگی بین دگرباشان جنسی، کنش‌گران جنبش‌های اقلیت‌های جنسی در ایران و کارشناسان حوزه جنسیت و جنس‌گویی با رسانه‌های فارسی زبان است.

این کتابچه راهنما، علاوه بر تعریف اصطلاحات مورد نیاز روزنامه‌نگاران در حوزه گفتمان دگرباشی جنسی، توضیحات آموزشی اجمالی‌ای نیز در خصوص شیوه صحیح استفاده از مفاهیم مرتبط با جنسیت، جنس‌گونگی، گرایش جنسی، جنبه‌های مختلف از رابطه همجنس با همجنس، مسأله زنانگی و مردانگی، دوجنسی بودن و تراجنسی بودن ارائه می‌دهد.

«کمیسیون بین‌المللی حقوق بشر زنان و مردان همجنس‌گرا» بر این باور است که رسانه‌ها با آگاهی‌سازی عمومی، نقش کلیدی در ایجاد مشارکت اجتماعی، نظارت بر سیاست‌های آموزش فرهنگی و فراهم آوردن زمینه‌های تحولات اجتماعی که منجر به ایجاد برابری برای همه مردم و بهینه کردن سطح زندگی می‌شود، ایفا می‌کنند. در این کتابچه، با معرفی

اجمالی مفاهیم مرتبط با دگرباشی جنسی، روزنامه‌نگاران فارسی زبان ابزارهای لازم برای پوشش رسانه‌ای در حوزه مسایل اقلیت‌های جنسی را به دست می‌آورند.

این کتابچه، نخستین نمونه از تجربه تهیه «راهنمای مسائل دگرباشان جنسی به زبان فارسی» به منظور یاری رسانی به رسانه‌های فارسی زبان است. «کمیسیون بین‌المللی حقوق بشر زنان و مردان همجنس‌گرا» مشتاق است تا با همیاری شما کارشناسان حوزه تخصصی رسانه، ارتباطات و روزنامه‌نگاری، این کتابچه و کارگاه‌های آموزشی مرتبط با آن را بهینه ساخته و گسترش دهد. نظرات شما برای ما ارزشمند است و امید است که با گفت‌وگو و تبادل نظر با شما بتوانیم نسخه‌های آتی کتابچه‌های مشابه را روشن‌تر، کاربردی‌تر و عینی‌تر تهیه کنیم.



فصل اول

سازمان ملل متحد و حقوق دگرباشان جنسی

گرایش جنسی: امری خصوصی یا عمومی؟

اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر معاهدات بین‌المللی مشخصاً حق داشتن حریم خصوصی را برای افراد تأکید می‌کنند. این قوانین اما به مفهوم آن نیست که افراد حق ندارند آنچه خصوصی فرض می‌شود، به عرصه عمومی کشانده و برای حقوق شخصی خود فعالیت کنند. یکی از مصادیق همجنس‌گراهراسی، تأکید بر «خصوصی بودن» روابط جنسی افراد است. برخی از مخالفان دگرباشان جنسی، با استناد به همین استدلال و اینکه «روابط جنسی همجنس با همجنس مسأله‌ای خصوصی است»، آنان را از سخن گفتن در مورد زندگی شخصی، مشکلات و احقاق حقوق خود منع می‌کنند. بر اساس اعلامیه جهانی حقوق بشر «هیچ احدی نمی‌بایست در قلمرو خصوصی، خانواده، محل زندگی یا مکاتبات شخصی، تحت مداخله [و مزاحمت] خودسرانه قرار گیرد.» حریم خصوصی افراد محترم است؛ اما هرکسی حق دارد که گرایش جنسی خود را تبدیل به مسأله‌ای عمومی کند، در مورد گرایش جنسی خود آزادی عقیده و بیان داشته باشد، بر اساس این گرایش فعالیت سیاسی و یا اجتماعی کند، و گردهمایی و انجمن تشکیل دهد. افراد حق دارند در مورد زندگی و بدنشان تصمیم بگیرند. [اگر چه] گرایش جنسی افراد جزئی از حریم خصوصی افراد است و «نقض حق حفظ حریم خصوصی» برای افرادی که گرایش جنسی، هویت جنسی و یا بیان متفاوتی از هنجارهای غالب دارند، مخالفت با اعلامیه جهانی حقوق بشر، سایر معاهدات بین‌المللی، و قوانین مربوط به حریم خصوصی در بیشتر کشورهای جهان به شمار می‌آید، اما افراد در اطلاع رسانی در مورد گرایش جنسی خود، روابط جنسی خود و مشکلات ویژه‌شان در حوزه عمومی، آزاداند. در حوزه عمومی، مسأله گرایش جنسی افراد مسأله‌ای عمومی و یک تلاش برای احقاق حقوق تمامی دگرباشان جنسی است.

تاریخچه حمایت‌های سازمان ملل از دگرباشان جنسی

آغاز فعالیت برای احقاق حقوق همجنس‌گرایان در سازمان ملل در چهارچوب قوانین و معاهده‌های این سازمان، به سال ۱۹۹۴ برمی‌گردد. نیکلاس تونن (Nicholas Toonen) شهروند جزیره تاسمانی از توابع مشترک‌المنافع استرالیا، از کشور استرالیا به علت نقض حقوق بشر بر اساس تبعیض آشکار علیه گرایش جنسی افراد، به کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد (UNHRC) شکایت کرد. این شکایت منجر به جرم‌زدایی از روابط همجنس با همجنس و لغو مجازات لواط شد که از دوران استعمار استرالیا توسط انگلستان در قوانین آن کشور (قانون اساسی سال ۱۷۸۸ کشور استرالیا از توابع بریتانیا) باقی مانده بود. نیکلاس تونن در شکایت‌نامه خود به کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، به قوانین میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) استناد کرد و مدعی شد که طبق بند اول ماده دوم این قانون و همچنین ماده ۲۶ این میثاق بین‌المللی، حقوق مدنی و سیاسی او به عنوان یک مرد همجنس‌گرا در کشور تاسمانی نقض شده است. اشاره به جنسیت در بند اول ماده دوم و همچنین ممانعت از تبعیض در همان بند در کنار ماده ۲۶ که در مورد برابری همه در مقابل قانون است، به مسأله گرایش جنسی نیز تعمیم داده شد. قوانین ذکر شده توسط نیکلاس تونن، حق داشتن حریم خصوصی، ممانعت از تبعیض بر اساس کنش جنسی، گرایش جنسی، هویت جنسی و برابری افراد مقابل قانون را مورد تأکید قرار می‌دادند و مفاهیم قوانین میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، به حقوق اقلیت‌های جنسی تعمیم می‌یافت. کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد ادعای نیکلاس تونن را پذیرفت و وی را محق یافت و در نتیجه، روابط جنسی با توافق طرفین در میان افراد همجنس قانونی، و مجازات لواط در قوانین استرالیا لغو شد.^۱

^۱ برای مطالعه دعوی نیکلاس تونن به زبان خود او نگاه کنید به:

<http://iilj.org/courses/documents/Toonen.v.Australia.pdf>

برای تمام اسناد مربوط به پرونده نیکلاس تونن در مقابل استرالیا در کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد نگاه کنید به:

Higgins, Rosalyn, and Ruth Wedgwood. *Human Rights Committee: Human Rights Committee Case Law, Human Rights Committee Members, Toonen V. Australia*. N.p.: LLC, 2011. Print.

معاهده‌های بین‌المللی که متن آن‌ها به طور مستقیم یا غیرمستقیم از حقوق دگرباشان جنسی حمایت می‌کند

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR):^۲ این میثاق

در دوران پادشاهی محمدرضا پهلوی، در سال ۱۹۷۵ توسط ایران پذیرفته شده است و پس از انقلاب ۱۳۵۷ نیز جمهوری اسلامی ایران تعهدات بین‌المللی این میثاق را پذیرفته است. به عنوان یکی از اعضای میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ایران موظف است که به تعهدات بین‌المللی‌اش وفادار بماند. بر این مبنا، اگر فردی ایرانی مانند نیکلاس تونن با اقامه دعوی علیه جمهوری اسلامی ایران این کشور را مقابل کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد بیاورد، این کمیته می‌تواند کشور ایران را برای نقض حقوق بشر مؤاخذه و محکوم کند. قوانین مجازات اسلامی تمامی انواع روابط همجنس با همجنس را جرم محسوب کرده و برای آن مجازات شلاق و حتی سلب زندگی در نظر گرفته است. این قوانین، نقض میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است و تمام شهروندان دگرباش جنسی که در ایران زندگی می‌کنند، می‌توانند مانند پرونده تونن علیه استرالیا، ایران را در مجامع بین‌المللی برای نقض معاهده‌های بین‌المللی حقوق بشر، بر اساس تبعیض بر اساس گرایش جنسی به محاکمه بکشانند.

بر مبنای «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»
اگر یک فرد ایرانی - مانند نیکلاس تونن - با اقامه دعوی علیه جمهوری اسلامی ایران این کشور را مقابل کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد بیاورد، این کمیته می‌تواند دولت ایران را برای نقض حقوق بشر مؤاخذه و محکوم کند.

^۲ برای متن این میثاق نگاه کنید به نارنمای سازمان ملل متحد:

"International Covenant on Civil and Political Rights - Main Page." *International Covenant on Civil and Political Rights - Main Page*. N.p., n.d. Web. 26 Feb. 2013. <<http://untreaty.un.org/cod/avl/ha/icpr/icpr.html>>.

کنوانسیون ضد شکنجه، مجازات‌های بیرحمانه، غیرانسانی، اهانت‌آمیز (۱۹۸۴):^۲

بر اساس این پیمان، شکنجه محدود به مقامات دولتی نمی‌شود و مفهوم گسترده‌تری دارد. در ماده ۱ شکنجه این گونه تعریف شده است: « هر عملی که بر اثر آن درد یا رنج شدید اعم از جسمی، روحی یا روانی به صورت عمدی به فردی دیگر به منظور کسب اطلاعات یا گرفتن اقرار از او و یا شخص سوم اعمال شود، شکنجه نام دارد. ایجاد هر گونه درد یا رنج به منظور مجازات فرد، با تهدید و اجبار و بر مبنای تبعیض از هر نوع، برای عملی که او یا شخص ثالث مرتکب شده است و یا احتمال ارتکاب آن می‌رود، شکنجه محسوب می‌شود. همچنین، هنگامی که وارد آوردن این درد و رنج به تحریک و ترغیب و یا با رضایت و عدم مخالفت مامور دولت یا هر صاحب منصب دیگری انجام گیرد، شکنجه تلقی می‌شود. درد و رنجی که به‌طور ذاتی یا تبعی مستوجب مجازات قانونی است، شامل (این کنوانسیون) نمی‌شود.» دولت جمهوری اسلامی ایران این کنوانسیون را امضاء نکرده و به رسمیت نمی‌شناسد؛ اما بر اساس مفاد این معاهده، به خاطر حدود شلاق و مجازات اعدام در قانون مجازات اسلامی برای مجازات انواع روابط جنسی همجنس با همجنس، می‌توان به دولت جمهوری اسلامی ایران فشار بین‌المللی وارد کرد.

کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW) ۱۹۷۹:^۴

این معاهده می‌تواند در موارد مرتبط با تبعیض علیه زنان همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا و یا فراجنسیتی مورد استفاده قرار گیرد. این کنوانسیون نیز توسط جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته نمی‌شود.

^۲ برای متن این کنوانسیون نگاه کنید به تارنمای سازمان ملل متحد:

"Convention against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment - Main Page." *Convention against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment - Main Page*. N.p., n.d. Web. 26 Feb. 2013. <<http://untreaty.un.org/cod/avl/ha/catcidtp/catcidtp.html>>.

^۴ برای متن این کنوانسیون نگاه کنید به تارنمای سازمان ملل متحد:
"Text of the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women." *UN News Center*. UN, n.d. Web. 26 Feb. 2013. <<http://www.un.org/womenwatch/daw/cedaw/cedaw.htm>>.

حمایت همه‌جانبه سازمان ملل متحد از حقوق دگرباشان

جنسی

حمایت سازمان ملل متحد از حقوق دگرباشان جنسی، در سال ۲۰۰۸ به شکل همه‌جانبه ادامه یافت. در هشتم دسامبر ۲۰۰۸، نمایندگان کشورهای هلند و فرانسه با حمایت اتحادیه اروپا بیانیه‌ای را به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه کردند که در آن تصویب قطعنامه‌ای برای حمایت از حقوق اقلیت‌های جنسی و مبارزه با جرم‌انگاری همجنس‌گرایی و همجنس‌گراستیزی، پیشنهاد شد. این بیانیه حمایت ۶۶ کشور در مجمع عمومی سازمان ملل را به دست آورد؛ اما مخالفان آن، شامل اتحادیه عرب، ایالات متحده آمریکا، روسیه، چین، کلیسای کاتولیک رم (کشور واتیکان) و کشورهای عضو کنفدراسیون اسلامی بودند. برخی از کشورهای فوق، با اشاره به مسأله آزار جنسی به کودکان، مطرح شدن بیانیه مذکور و چنان اقداماتی را تاسف‌آور دانستند.^۵

قطعنامه پیشنهادی فرانسه و هلند با اینکه با مخالفت روبرو شد، توانست مباحث مربوط به محکومیت خشونت، آزار و اذیت، انگ زدن، و تبعیض بر اساس گرایش جنسی و هویت جنسیتی را در گفتمان حقوق بشر و عزت بشری، طرح کند. اقدام فرانسه و هلند، به نوعی شکستن تابوی مطرح شدن مسائل مربوط به حقوق دگرباشان جنسی در سازمان ملل متحد بود.

در ۱۷ ژوئن ۲۰۱۱، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد به درخواست کشور آفریقای جنوبی، قطعنامه‌ای را با عنوان «حقوق بشر، گرایش جنسی و هویت جنسیتی» تصویب کرد که در آن نسبت به موارد نقض حقوق بشر به دلیل گرایش جنسی در سراسر جهان اعتراض شد. در مذاکرات تاریخی و پرتنش هفدهمین جلسه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، ۱۹ کشور مخالف و ۲۳ کشور موافق تصویب قطعنامه‌ای برای احقاق حقوق دگرباشان، شامل وضعیت شهروندان همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا و تراجنسیتی، در سراسر جهان بودند. حامیان

^۵ نگاه کنید به:

Macfarquhar, Neil. "In a First, Gay Rights Are Pressed At the U.N." *The New York Times*. The New York Times, 19 Dec. 2008. Web. 12 Jan. 2013.

آن، آفریقای جنوبی، ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، برزیل و دیگر کشورهای آمریکای لاتین، و مخالفان، شامل روسیه، عربستان سعودی، نیجریه و پاکستان بودند.^۶

شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد بر اساس این قطعنامه از کمیساریای عالی سازمان ملل برای حقوق بشر درخواست کرد تا گزارشی از جزئیات وضعیت شهروندان همجنس‌گرا در سراسر جهان تهیه کند.^۷ در این گزارش، که در ۱۵ دسامبر ۲۰۱۱ منتشر شد، حقوق بشر زنان و مردان همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا و ترانجسیتی که در سراسر جهان کشته می‌شوند، مورد خشونت قرار می‌گیرند، بازداشت می‌شوند یا به دلیل گرایش و هویت جنسی‌شان مورد تبعیض قرار می‌گیرند، بررسی شد. این گزارش، مساله همجنس‌گراستیزی و ترانجسیت‌هراسی را در مناطق مختلف جهان بررسی کرد و به ثبت رساند که شامل دامنه وسیعی از خشونت‌ها مانند کلام تنفرآمیز، ضرب و جرح، آدم‌ربایی، تجاوز، تهدیدات روانی، محرومیت‌های تبعیض‌آمیز، جرم‌انگاری، تنبیه و اعدام دگرباشان جنسی می‌شد. بر طبق این گزارش، ۷۶ کشور جهان همجنس‌گرایی را جرم می‌پندارند و حداقل در پنج کشور، از جمله ایران، موریتانی، عربستان سعودی، سودان و یمن، انواع خاصی از روابط همجنس با همجنس با اعدام مجازات می‌شود.^۸

دفتر حقوق بشر سازمان ملل متحد (OHCHR) یک کتابچه ۶۰ صفحه‌ای نیز تحت عنوان «آزاد و برابر زاده شد» در خصوص گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی در قوانین بین‌المللی حقوق بشر، منتشر کرده است. این جزوه به مجموعه و دامنه تعهدات دولت‌ها بر اساس قوانین بین‌المللی حقوق بشر برای حمایت از حقوق همجنس‌گرایان زن و مرد،

^۶ نگاه کنید به:

Wong, Curtis M. "U.N. Gay Rights Protection Resolution Passes, Hailed As 'Historic Moment'" *The Huffington Post*. TheHuffingtonPost.com, 17 June 2011. Web. 12 Jan. 2013.

^۷ متن سند:

<http://ilga.org/ilga/static/uploads/files/2011/6/17/RESOLUTION%20L9rev1.pdf>

^۸ نگاه کنید به:

"UN Issues First Report on Human Rights of Gay and Lesbian People." *UN News Center*. UN, 15 Dec. 2011. Web. 12 Jan. 2013.

همچنین برای متن این گزارش که از تاریخ ۱۷ نوامبر ۲۰۱۱ آماده شده بود، نگاه کنید به: http://www2.ohchr.org/english/bodies/hrCouncil/docs/19session/A.HRC.19.41_en.pdf

دوجنس‌گرایان و تراجنسیتی‌ها می‌پردازد. این کتابچه بر پنج کشور (از جمله ایران) که نقض حقوق بشر دگرباشان جنسی به طور سیستماتیک و مستمر در آنها اتفاق می‌افتد، و اقدام دولت برای حفاظت از حقوق دگرباشان، جرم‌زدایی از روابط جنسی همجنس با همجنس و نفی همجنس‌گراهراسی ضروری است، تاکید می‌ورزد.^۹

ایران، نقض حقوق دگرباشان جنسی، و تذکرات سازمان ملل

کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد در اجلاس ۱۰۲ این نهاد که در تاریخ ۱۷ اکتبر تا ۴ نوامبر ۲۰۱۱ در ژنو برگزار شد، به مسأله نقض حقوق بشر در ایران توجه ویژه کرد. کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد در آن جلسات در مورد نقض حقوق زنان و مردان همجنس‌گرا، دوجنس‌گرایان و تراجنسیتی‌ها در ایران ابراز نگرانی کرد و تاکید کرد که جامعه دگرباشان جنسی در ایران در معرض آزار و اذیت، مجازات‌های بی‌رحمانه و حتی خطر سلب حیات با مجازات اعدام قرار دارند.^{۱۰} این کمیته، تبعیض بر اساس گرایش جنسی را نقض حقوق دگرباشان جنسی خواند و مسأله دسترسی به اشتغال، مسکن، آموزش و پرورش، مراقبت‌های بهداشتی، و همچنین محرومیت اجتماعی در درون جامعه را از جمله مشکلات جامعه دگرباشان جنسی در ایران بر شمرد. این کمیته از دولت جمهوری اسلامی ایران خواست که قوانین تبعیض آمیز علیه دگرباشان جنسی را لغو یا اصلاح کند و تاکید کرد که روابط جنسی با توافق طرفین، گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی باید بدون قید و شرط آزاد باشند. این کمیته در مورد اعمال تنبیه بدنی، شلاق و اعدام برای برخی و اعمال آزارهای جنسی توسط مقامات قضایی و اداری دولت جمهوری اسلامی ایران، تذکر داد.

^۹ برای متن این کتابچه نگاه کنید به:

<http://www.ohchr.org/Documents/Publications/BornFreeAndEqualLowRes.pdf>

^{۱۰} نگاه کنید به گزارش سازمان حقوق بشر زنان و مردان همجنس‌گرا در مورد جلسه ۱۰۲ کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد:

Sklar, Roberta, and Hossein Alizadeh. "Attachments:." *Advancing LGBT Human Rights in Iran: A Historic Moment*. N.p., n.d. Web. 26 Feb. 2013. < <http://www.iglhr.org/cgi-bin/iowa/article/pressroom/pressrelease/1453.html>>.

برای گزارش رسمی خود کمیته حقوق بشر سازمان ملل در خصوص جمهوری اسلامی ایران و نقض حقوق بشر نگاه کنید به:

<http://www.iglhr.org/binary-data/ATTACHMENT/file/000/000/544-1.pdf>

گزارش احمد شهید و دگرباشان جنسی



در ۱۲ مارس ۲۰۱۲ دکتر احمد شهید، گزارش‌گر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد در امور ایران، گزارش کامل خود را به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو ارائه کرد. در این گزارش مسأله نقض حقوق بشر شهروندان همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا و تراجنیستی نیز مورد بررسی قرار گرفت.^{۱۱}

© by: International Campaign for Human Rites in Iran

گزارش‌گر ویژه حقوق بشر سازمان ملل، نگرانی‌های کمیته حقوق بشر را تکرار کرد و در گزارش خود تاکید کرد که زنان و مردان همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا و تراجنیستی از حقوق اولیه خود محروم هستند. مردانی که در روابط جنسی با توافق طرفین قرار دارند، در ساختار قانون مجازات اسلامی ایران جرمی جنایی مرتکب شده و با مجازات اعدام روبرو می‌شوند. دکتر شهید ضمن ذکر موارد اعدام همجنس‌گرایان در گذشته، تاکید کرد که مقامات جمهوری اسلامی ایران درک درستی از همجنس‌گرایی ندارند و آن را جرم، رفتار غیر اخلاقی و بیماری می‌پندارند. مقامات جمهوری اسلامی ایران از همکاری با دکتر احمد شهید خودداری کرده و به وی اجازه ورود به کشور ایران را ندادند.



^{۱۱} برای متن کامل گزارش نگاه کنید به صفحه شخصی دکتر احمد شهید: Shaheed, Ahmed. "Special Rapporteur's March 2012 Report of the on the Situation of Human Rights in the Islamic Republic of Iran." *Dr. Ahmed Shaheed* - N.p., n.d. Web. 26 Feb. 2013. < <http://www.shaheedoniran.org/english/dr-shaheeds-work/latest-reports/3058-report-of-the-special-rapporteur-on-the-situation-of-human-rights-in-the-islamic-republic-of-iran-3-6-2012.html>>.

حمایت‌های بان کی مون از حقوق دگرباشان جنسی

بان کی مون، هشتمین دبیر کل سازمان ملل متحد، کار خود را در ۱ ژانویه ۲۰۰۷ رسماً آغاز کرد. در کارنامه کاری‌اش، بان کی مون برای بهبود وضعیت حقوق بشر در سراسر جهان تلاش کرده است؛ اما او اولین دبیر کل سازمان ملل متحد است که مسأله حقوق دگرباشان جنسی را در اولویت کاری خود قرار داده است. در ۷ مارس ۲۰۱۲، بان کی مون در شورای حقوق بشر سازمان



ملل متحد در ژنو، برای حمایت از حقوق دگرباشان جنسی سخنرانی کرد و از کشورهای سراسر جهان خواست که روابط همجنس با همجنس را جرم‌زدایی کنند. در این سخنرانی، بان کی مون اعلام کرد که زمان آن رسیده است که به تبعیض علیه همجنس‌گرایان، دوجنس‌گرایان و تراجنسیتی‌ها پایان دهیم. سخنرانی بان کی مون با مخالفت بسیاری از کشورها مواجه شد و در حین سخنرانی او بسیاری از کشورهایی که همجنس‌گرایی را جرم می‌پندارند، جلسه را به نشان اعتراض ترک کردند.^{۱۲} دبیر کل سازمان ملل متحد، تأکید کرد که مسأله حقوق دگرباشان جنسی در سراسر جهان باید مورد احترام کشورها قرار گیرد.^{۱۳}

حمایت‌های بان کی مون از حقوق دگرباشان جنسی در سال ۲۰۱۲ ادامه دار بوده است. در ملاقات‌های بان کی مون با نمایندگان کشورهای آفریقایی و قاره آفریقا، مسأله حقوق دگرباشان جنسی همیشه مطرح بوده است. در روز سه شنبه ۱۱ دسامبر، بان کی مون در مجمع عمومی صحن سازمان ملل در مورد حقوق پیمال شده دگرباشان جنسی در سراسر جهان صحبت کرد و گفت: این واقعیت که

^{۱۲} نگاه کنید به:

Huff-Hannon, Joseph. "'The Time Has Come': Ban Ki-moon's Historic Speech on LGBT Rights... Remixed! (VIDEO)." *The Huffington Post*. TheHuffingtonPost.com, 23 Mar. 2012. Web. 12 Jan. 2013.

^{۱۳} نگاه کنید به:

"Combating Discrimination Based on Sexual Orientation and Gender Identity." *Combating Discrimination Based on Sexual Orientation and Gender Identity*. N.p., n.d. Web. 12 Jan. 2013: < <http://www.ohchr.org/EN/Issues/Discrimination/Pages/LGBT.aspx>>.

۷۶ کشور در جهان، هنوز همجنس‌گرایی را جرم می‌دانند، یک فضاخت است!^{۱۴} بان کی مون همجنس‌گراستیزی دنیای معاصر را به تاریخ این قوانین همجنس‌گراستیز در دوران استعمار نسبت داد و گفت: «این ننگ است؛ بی‌عدالتی است که در دنیای مدرن ما، بسیاری از کشورها همچنان مردم را برای عشق به انسانی که همجنس‌شان است، مجرم می‌دانند. در اکثر موارد، این قوانین حتی بومی این کشورها هم نیستند. این قوانین میراث دوران قدرت‌های استعماری‌اند؛ این قوانین باید لغو شوند.^{۱۵}

بان کی مون خطاب به تمام رهبران کشورهای عضو سازمان ملل هشدار داد که تکیه بر افکار عمومی همجنس‌گراستیز برای خشونت به کسانی که روابط همجنس با همجنس دارند، پذیرفته نیست. حتی اگر همه مردم کشوری نیز با روابط همجنس‌گرایانه مخالف باشند، این دلیل مناسبی برای حمایت از قوانین همجنس‌گراستیز و تراجنسی‌ستیز نیست.^{۱۶}

دبیرکل سازمان ملل: «این واقعیت که ۷۶ کشور در جهان، هنوز همجنس‌گرایی را جرم می‌دانند، یک فضاخت است! ننگ است! بی‌عدالتی است که در دنیای مدرن ما، بسیاری از کشورها همچنان مردم را برای عشق به انسانی که همجنس‌شان است، مجرم می‌دانند.»

^{۱۴} نگاه کنید به:

"Ban Calls for End to Violence and Discrimination against Lesbian, Gay, Bisexual and Transgender People." *UN News Center*. UN, 12 Nov. 2012. Web. 12 Jan. 2013. <http://www.un.org/apps/news/story.asp?NewsID=43741&Cr=homophobia&Cr1=#.UPHr0m_Af9k>.

^{۱۵} همان.

^{۱۶} همان.

فصل دوم

مفاهیم نظری مرتبط با جنسیت، سکسوالیته و گرایش جنسی

بسیاری از این مفاهیم به شکل مداوم در حال بازتعریف شدن است و بسیاری از نظریه‌پردازان منتقدانه با جنبه‌های مختلف از مفاهیمی که در این فصل معرفی می‌شود، درگیر هستند. وقتی مسأله شما حوزه سکسوالیته، جنسیت و جنس‌گونگی است، جواب‌های ساده وجود ندارند. اما شاید این پویایی محتوایی برای افرادی که در رسانه‌ها مشغول تولید هستند، به مفهوم حرف‌های بیشتری برای گفتن باشد.

مفاهیم نظری:

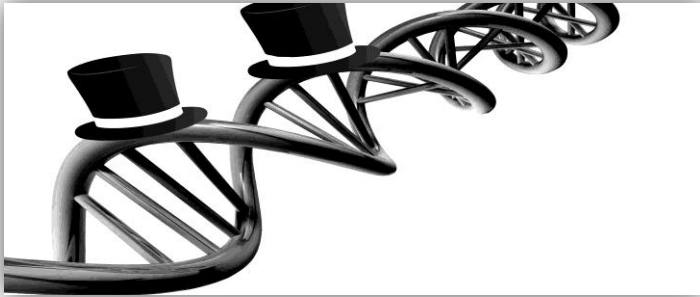
سکسوالیته یا سکسیته (Sexuality):

سکسوالیته (یا سکسوالیته) که در فارسی به جنسیت یا سکسیته نیز ترجمه شده است، می‌تواند مرتبط با تمایلات جنسی، ترجیح سکسی، کردار سکسی، اُرتیسم، شهوت‌انگیزی، میل و محبت، مفاهیم مربوط به روانکاو جنسی، سلامت جنسی و تولید مثل باشد.

جنس یا سکس از منظر زیست‌شناسی: جنس به مفهوم «سکس بیولوژیک» مجموعه‌ای از اطلاعات ژنتیکی است که از والدین به فرزند می‌رسد. جنسیت بیولوژیک، مفهومی است که با عوامل وراثتی روی کروموزوم‌های فرد در روند رشد در رحم مادر مشخص می‌شود. کروموزوم «XX» زن بیولوژیک تولید می‌کند و کروموزوم «XY» مرد بیولوژیک.

تحقیقات روی مسأله وراثتی بودن گرایش جنسی، نخستین بار روی دوقلوهای همجنس‌گرا آغاز شد. بسیاری از محققان ثابت کرده‌اند که ضمن اینکه نمی‌توان یک ژن خاص را به عنوان «ژن همجنس‌گرایی» معرفی کرد، بسیاری از ژن‌های خاص از افراد/حیواناتی که تمایل به

رابطه جنسی با همجنس دارند، فعال‌تر است و این نشان می‌دهد که عوامل وراثتی در گرایش جنسی دخیل‌اند.^{۱۷} مسأله اکتسابی بودن گرایش جنسی، همچنان از سوزهای تحقیقاتی عمده در آزمایشگاه‌های علوم پزشکی و ژنیک است و همه ساله صدها مقاله علمی در این حوزه منتشر می‌شود.^{۱۸}



جنسیت یا جنس‌گونگی (Gender): بیانگر خصوصیات، نشانه‌ها و اجراگری‌های رفتاری است که افراد جامعه را عموماً به «زن» یا «مرد» تقسیم می‌کند. اما، جنس‌گونگی در تاریخ و در جوامع مختلف محدود به دوگانه «زن» و «مرد» نبوده است. در ایران نیز تا اواخر دوران قاجار انواع مفاهیم هویت جنسی و اجراگری‌های جنسی مختلف مانند «آمرد» و «آمردنما» در جامعه وجود داشته‌اند.^{۱۹} انسان می‌تواند از جنسیت بیولوژیک مرد، زن یا دوجنسی برخوردار باشد؛ اما اجراگری رفتاری افراد توسط هنجارهای حاکم به دوگانه مشکل‌ساز رفتارها و شاخص‌های «زنانه» و «مردانه» محدود می‌شود. زنان، مردان و جنس‌گونگی آنها

^{۱۷} برای اطلاعات بیشتر در مورد تحقیقات زیست‌شناسی در مورد همجنس‌گرایی در انسان‌ها و حیوانات نگاه کنید به:

Poiani, Aldo. *Animal Homosexuality: A Biosocial Perspective*. New York: Cambridge University Press, 2010.

^{۱۸} برای نمونه‌ای از مجادله‌های تاریخی بر سر «طبعی بودن» همجنس‌گرایی نگاه کنید به فصل اول و دوم کتاب:

Homosexuality. San Diego: Greenhaven Press, 2004.

^{۱۹} برای اطلاعات بیشتر در مورد اجراگری‌ها و هنجارهای جنسی ایران قرن ۱۹ میلادی نگاه کنید به کتاب «زنان سیبلیو، مردان بی‌ریش» افسانه نجم‌آبادی؛ ص. ۲۳۷:

Najmabadi, Afsaneh. *Women with Mustaches and Men without Beards Gender and Sexual Anxieties of Iranian Modernity*. Berkeley: University of California Press, 2005.

محصول توقعات هنجارهای اجتماعی و فرهنگی است و افراد در پروسه تعاملی با این هنجارها، زن یا مرد می‌شوند.^{۲۰}

جنس‌گونگی از منظر نظریه‌های سازنده‌نگر اجتماعی

(Constructionism of Gender Social): بر اساس نظریه‌هایی که مبنای اجتماعی برای ساخته شدن اجراگری‌های جنسی قائل می‌شوند، جنس‌گونگی، تفاوت جنسیتی و گرایش جنسی تحت تاثیر و در تعامل با هنجارهای فرهنگی و اجتماعی‌اند. به این ترتیب جنسیت بیولوژیک افراد، عوامل تربیتی خانواده و هنجارهای همیشه در حال تغییر فرهنگی و اجتماعی روی اجراگری جنسی افراد تاثیر می‌گذارند و زن بودن، مرد بودن یا «چیزی دیگر» بودن، در تعامل با این هنجارها مفهوم‌هایی «هویتی» پیدا می‌کند.^{۲۱}

دگرجنس‌گرا محوری (Heteronormativity): مجموعه هنجارهای مقبول در جوامعی که دگرجنس‌گرایی را به عنوان تنها گزینه گرایش جنسی در شیوه زندگی و رفتار جنسی می‌پذیرند. دگرجنس‌گرا محوری افراد جامعه را به دو جنس زن و مرد تقسیم کرده و معتقد است که این دو جنس متمایز، مکمل نقش‌های جنسی هم و تنها گزینه‌های جنسیت طبیعی‌اند. برای دگرجنس‌گرا محوری زن بودن و مرد بودن و گرایش جنسی این دو به هم، ماهیتی ابدی و ازلی دارند. مفهوم دگرجنس‌گرا محوری نخستین بار توسط مایکل وارنر، نظریه‌پرداز حوزه مطالعات جنسیت و جنس‌گونگی مطرح شد و سپس توسط سایر نظریه پردازان این حوزه بیشتر مورد بررسی قرار گرفت.^{۲۲}

^{۲۰} برای اطلاعات بیشتر در مورد مسأله جنسیت، جنس‌گونگی و زبان، نگاه کنید به کتاب: Eckert, Penelope. *Language and gender*. Cambridge New York: Cambridge University Press, 2003.

فصل اول این کتاب را می‌توانید در این پیوند مطالعه کنید:
<http://www.stanford.edu/~eckert/PDF/Chap1.pdf>

^{۲۱} نگاه کنید به:

Lorber, Judith. *Paradoxes of gender*. City: Yale University Press, 1995.

قسمتی از این کتاب در مورد نظریه سازنده‌نگر اجتماعی و ساخته شدن جنسیت و جنس‌گونگی در تعامل با دیگری/اجتماع را می‌توانید اینجا بخوانید:

http://www.meac.org/Resources/ed_services/SG_WEB/SeeingGender/PDFs/SocialConstructionOfGender.pdf

^{۲۲} نگاه کنید به:

.Michael Warner, "Introduction: Fear of a Queer Planet," *Social Text* 29.4 (1991): 3-17

نقش‌های جنیستی: نقش جنسیتی، مجموعه‌ای از هنجارهای رفتاری است که به طور کلی در هر جامعه، در هر زمان خاص و برای هر جنسیت کردار و رفتار صحیح و گاهی حتی «طبیعی» محسوب می‌شود. در جوامع دگرجنس‌گرا، آنچه غالب است دوگانه زن/مرد است و همواره دوگانه زن/مرد در تعریف آنچه رفتار زنانه/مردانه درست، اخلاقی یا طبیعی، مورد استفاده قرار می‌گیرد. نقش‌های جنیستی به این ترتیب توسط هنجارهای اجتماعی تعیین می‌شوند و خود در اجراگری رفتاری هر فرد در تثبیت شدن این هنجارها مشارکت می‌کنند. نقش‌های جنیستی در زمان‌های مختلف می‌تواند متفاوت باشند.

واژه کوئیر (Queer): این واژه در قرن ۱۶ و ۱۷ میلادی در اروپا به مفهوم «چیزی غریب»، «غیر عادی» و «عوضی» به کار برده می‌شده است. در اوایل قرن ۲۰، کوئیر به صورت واژه‌ای توهین آمیز برای فحاشی به کسانی که گرایش جنسی غیر از هنجارهای عرفی داشته‌اند استفاده شد. اهمیت واژه کوئیر به این دلیل است که در سال‌های ۱۹۷۰ تعدادی از کنشگران حقوق اقلیت‌های جنسی و نظریه پردازان حوزه جنسیت و گرایش جنسی، بر آن شدند که مفهوم «توهین آمیز» این واژه را واژگون کنند و از آن به عنوان یک واژه مثبت برای اطلاق به همه کسانی که به نوعی در حاشیه و خارج از هنجارهای غالب جنسی اجتماعی قرار می‌گیرند، استفاده کنند. واژگون کردن مفهوم منفی واژه کوئیر به نوعی همراه با هویت‌گریزی نیز بوده است. مخالفین استفاده از این واژه معتقداند که یک استهزای تبعیض‌آمیز، همیشه ناسزا باقی می‌ماند و مثبت جلوه دادن آن، نگاه عموم جامعه را به اقلیت‌های جنسی تغییر نمی‌دهند. این گروه ترجیح می‌دهند که با واژه‌های دقیق‌تر و هویت‌گرا از کلمات «گی»، «لزبین»، «دوجنس‌گرا»، «تراجنسیتی» یا «دوجنسی» استفاده کنند.

دگرباش یا فراهنجار جنسی؛ معادل واژه کوئیر در فارسی: ترجمه واژه کوئیر از این لحاظ دارای اهمیت است که بسیاری از نظریه‌پردازان حوزه جنسیت و گرایش جنسی، در مورد این واژه و اهمیت آن تولید دانش فلسفی کرده‌اند. تا به امروز دو معادل «فراهنجار جنسی» و «دگرباش جنسی» به عنوان ترجمه فارسی این واژه معرفی شده است. دگرباش جنسی مفهومی است که بر اصل فلسفی «دیگری بودن» و حاشیه‌ای

بودن اقلیت‌های جنسی، تاکید دارد. ترکیب «فراهنجار جنسی» در زبان فارسی بیشتر تاکید بر رفتارهای جنسی خارج از «هنجار»های دگرجنس‌گرایی تاکید دارد.

منتقدان ترکیب «دگرباش جنسی» معتقدند این واژه هویت‌گراست و با فلسفه واژه کوئیر—که همیشه امکان تعریف شدن در خارج مرزهای دگرجنس‌گرا محوری را دارد—در تناقض است. منتقدان کلمه «فراهنجار» بر این باورند که این واژه پرطمطراق است. آن‌ها می‌گویند که واژه کوئیر در زبان انگلیسی یک اصطلاح عامیانه، غیر ادبی و غیر فلسفی است و این رمز موفقیت این واژه در واژگون کردن تبعیض‌ها و مبارزه با دگرباش‌هراسی و دگرباش ستیزی است.

نظریه فراهنجاری جنسی یا «کوئیر تئوری» (Queer Theory): نظریه کوئیر تمرکز بیشتری روی مسأله «سکسوالیته»، سکس، ترجیح‌های جنسی افراد، انتخاب‌های جنسی افراد و تمایلات و گرایش‌های جنسی آن‌ها دارند. پروژه اصلی نظریه کوئیر، نوعی ساختارشکنی در چهارچوب‌های هویتی در سکسوالیته بوده است و همه نظریه‌پردازان این حوزه بر این باورند که هویت جنسی ثابت وجود ندارد و جهت‌گیری‌های جنسی افراد می‌تواند همیشه در حال تغییر باشد. «نظریه کوئیر» در اوایل سال‌های ۹۰ توسط نظریه‌پردازان مطالعات جنسیت و گرایش جنسی و نیز در مطالعات زنان مطرح شد.

اجراگری جنسیتی Gender Performativity: اجراگری جنسیتی بیانگر این دیدگاه است که جنسیت، آنچه عموماً به عنوان جوهره درونی ثابت و پایدار فرض می‌شود، ثابت و پایدار نیست، بلکه جنسیت اجرای مجموعه‌ای از کنش‌ها توسط فرد است که از طریق شاخص‌های جنسی در هر فرهنگ و اجتماع، مفهوم «جنسیت» می‌یابد. به این ترتیب، چیزی به اسم جنسیت «واقعی» و یا «حقیقی» وجود ندارد. اجراگری جنسیتی در مرز سطح بدن و با تعامل با اجتماع و فرهنگ اجتماعی به شکلی سیاسی ساخته و اجرا می‌شود؛ به این مفهوم که انتخاب‌های افراد برای اجراگری جنسیتی تحت تأثیر مسأله قدرت و گفتمان‌های فرهنگی/جنسی/جنسیتی است.^{۳۳} اجراگری جنسیتی

^{۳۳} برای بیشتر مطالعه کردن نگاه فلسفی جودیت باتلر به مفهوم اجراگری جنسیتی نگاه کنید به:

مفهومی است که جوڈیت باتلر، فیلسوف حوزه سکسیت و گرایش جنسی، برای اولین بار در سال‌های ۱۹۹۰ آن را مطرح کرد که تبدیل مفهومی فراگیر در توضیح رفتار جنسی افراد در حوزه مطالعات جنسیت و گرایش جنسی شد.

هویت جنسی: تجربه شخصی هر فرد از احساس درونی‌اش نسبت به آنچه جنسیت خود می‌پندارد دارد است. هویت جنسی‌ای که هر فرد برای خود قائل است می‌تواند با هویتی که در روز تولدش برای او تعیین شده، متفاوت باشد. در نظام‌های دگرجنس‌گرامحور، هویت‌های جنسی با دوگانه «زن و مرد» تعیین می‌شوند، اما نظام‌های جنسی غیر دگرجنس‌گرامحور، هویت‌های دیگر جنسی، غیر از زن و مرد، را نیز در نظر می‌گیرند و تعریف می‌کنند. در همه جوامع، افرادی وجود دارند که دوگانه زن/مرد را در نظام‌های دگرجنس‌گرامحور به چالش می‌کشند و نگاه بیرونی را دچار ابهام می‌کنند (مثلا زنان مردانه‌پوش یا مردان زنانه‌پوش).

گرایش جنسی: اشاره به تمایلات و خواهش‌ها و نیازهای جنسی هر فرد برای ایجاد رابطه احساسی، عاطفی و جنسی با افراد همجنس، غیر همجنس، بیش از یک جنس یا از هر جنسیتی دارد. جهت‌گیری جنسی در گرایش جنسی در عرف غالب در کشورهای غربی، امروز به سه گونه تقسیم می‌شود:

۱- **همجنس‌گرا:** فردی که به ارتباط عاطفی/احساسی/جنسی با همجنس خود تمایل دارد.

۲- **دگرجنس‌گرا:** کسی که به ارتباط عاطفی/احساسی/جنسی با غیر همجنس خود تمایل دارد.

۳- **دوجنس‌گرا:** کسی که در میان جنسیت‌های زن و مرد، به ارتباط جنسی با هم زنان و هم مردان تمایل دارد.

مطالعات زیست‌شناسانه، روان‌شناسانه و حتی ماهیت‌شناسانه فلسفی، نشان می‌دهد که ویژگی‌های گرایش‌های جنسی مختلف بسیار پیچیده‌تر از سه گزینه ذکر شده است. بر این مبنای، از ترکیب

«گرایش جنسی دگرباش جنسی» (به اختصار: دگرباش) به عنوان یک گرایش جنسی فراگیر هویت‌گرای استفاده می‌شود.^{۲۴}

اروتیسم همجنس‌خواهانه یا هومو اروتیسم: مفهوم انعطاف‌پذیری است که برای توصیف هر احساس، نشانه، آرزو، تفکر، نیاز در وادی ذهنی یا حتی کنش جنسی استفاده می‌شود که در آن، افراد توجهی جنسی به همجنس نشان دهند. این مفهوم اشاره به جاذبه جنسی بین افراد همجنس دارد اما با همجنس‌گرایی که به عنوان یک نوع گرایش جنسی مفهومی هویتی پیدا کرده است، تفاوت دارد. نمونه‌های اروتیسم همجنس‌خواهانه در ادبیات فارسی و آفرینش‌های اروتیک ادیبان و شاعران در توصیف رابطه با «شاهد»‌ها که شاهدبازی (رابطه شهوانی با شاهد‌ها) خوانده می‌شود، معمولاً شامل مفاهیمی مانند «لواطی» (لواط کردن) و امردبارگی (رابطه جنسی با امردها) دارد.^{۲۵ ۲۶}

^{۲۴} مفاهیم هویت جنسی، اجراگری جنسیتی، نقش‌های جنسیتی در کنار رفتارهای جنسی تجویز شده توسط فرهنگ غالب، در تعاریف مختلف گرایش جنسی در هم تنیده می‌شوند و پیچیدگی‌های مختلف تمایلات و جهت‌گیری‌های جنسی افراد را در انتخاب یا پذیرش گرایش جنسی‌شان رقم می‌زنند. مسأله گرایش جنسی در گفتمان‌های حقوقی به دلیل پیچیدگی‌های مختلف مرتبط به آن ساده سازی شده است و گفتمان‌های حقوقی و قانونی به سه گرایش دگرجنس‌گرا، همجنس‌گرا و دوجنس‌گرا بسنده کرده‌اند. این نقص این گفتمان‌ها در بیان پیچیدگی‌های گرایش جنسی است. برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به:

Stewart, Chuck. *Homosexuality and the law : a dictionary*. Santa Barbara: ABC-CLIO, 2001.

^{۲۵} سیروس شمس‌یا، استاد ادبیات فارسی، در سال ۱۳۸۱ خورشیدی کتابی با عنوان «شاهدبازی در ادبیات فارسی» منتشر کرد که بعد از انتشار توقیف و از سطح کتاب فروشی‌ها جمع‌آوری شد. در این کتاب، سیروس شمس‌یا به بررسی مسأله معشوق مرد برای مردان در ادبیات فارسی می‌پردازد. کتاب شمس‌یا برای تحمیل نگاه مدرن به همجنس‌گرایی به ادبیات فارسی و شاهد بازی، مورد نقد قرار گرفته است؛ نگاه کنید به:

شمس‌یا، سیروس. شاهدبازی در ادبیات فارسی. چاپ اول. تهران: چاپ خانه رامین، ۱۳۸۱.

^{۲۶} مشابیه کتاب سیروس شمس‌یا در ادبیات عرب، توسط تاریخ‌دان آمریکایی-عرب، جوزیف مسعد، نوشته شده است که به بررسی اروتیسم همجنس‌خواهانه در ادبیات عرب می‌پردازد؛ نگاه کنید: Massad, Joseph. *Desiring Arabs*. Chicago: University of Chicago Press, 2007.

سکسیسم دگرجنس‌گرایاور یا سکسیسم دگرجنس‌گرا
Heterosexism: نگرشی است مبتنی بر این ایده که تنها فرم تمایلات، گرایش، یا رابطه جنسی «سالم» و «طبیعی»، بین دوجنس مخالف زن و مرد می‌تواند وجود داشته باشد. این واژه بیشتر به نظام باوری، نگرش‌ها و یا رفتارهایی اشاره دارد که نسبت به دگرباشان جنسی از

برای تولید محتوای عاری از تبعیض و تعصب، بهتر است از ارزش‌گذاری‌هایی که رفتار جنسی افراد را بر حسب «نرمال» یا «دچار اختلال» بودن محک می‌زند، اجتناب شود.

انواع آن، با تبعیض و تعصب به حقانیت رابطه دگرجنس‌گرا، برخورد می‌کنند. در سکسیسم دگرجنس‌گرایاور برتری بر اساس گرایش جنسی تعیین می‌شود و به این ترتیب رتبه دگرجنس‌گراها از مردان و زنان همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا یا تراجنسیتی‌ها بیشتر است. سکسیسم دگرجنس‌گرا محور می‌تواند نوعی تبعیض سیستمی باشد که شامل حقوق قانونی، مدنی، فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز می‌شود.

سکسیته بهنجار Sexual Normality: بیشتر متفکران حوزه سکس، جنسیت و گرایش جنسی بر این مسأله تأکید دارند که چیزی به عنوان یک استاندارد «نرمال» جنسی وجود ندارد. اتخاذ این موضع از جانب متفکران این حوزه، در چهارچوب فلسفه اخلاق و مسأله به رسمیت شناختن حق دیگری بر زندگی جنسی خود است.

هنجارسازی مسأله دگرجنس‌گرایی به عنوان گرایشی «نرمال» تا حدودی مربوط به دانش تولید شده این علوم زیست‌شناسی و روان‌شناسی و مواضع سیاسی نهادهای مذهبی مانند کلیساها بوده است. برای تولید محتوای عاری از تبعیض و تعصب، بهتر است از ارزش‌گذاری‌هایی که رفتار جنسی افراد را بر حسب «نرمال بودن» یا «دچار اختلال بودن» محک می‌زند، اجتناب شود. «انحراف جنسی»، «ناهنجار»، «غیر نرمال» خواندن رابطه جنسی همجنس با همجنس، توهین‌آمیز است.

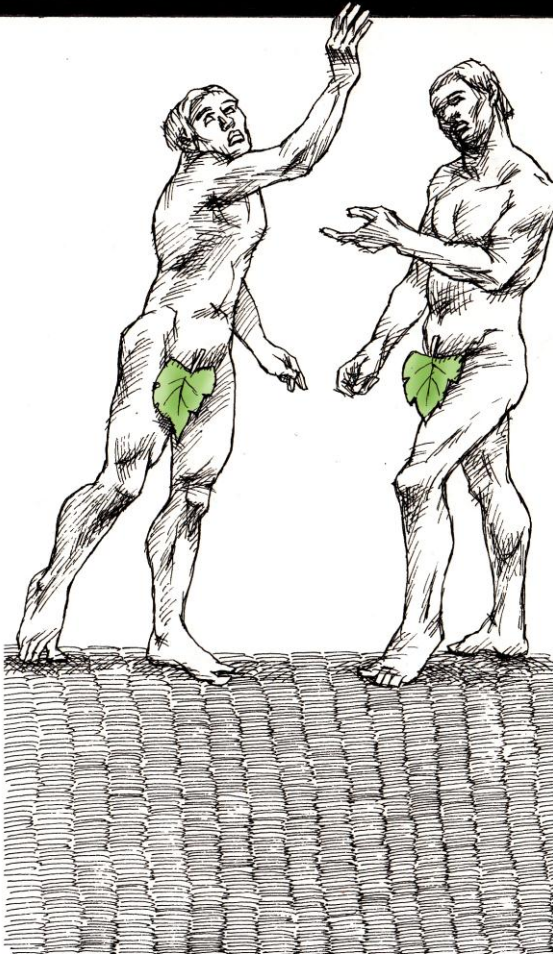
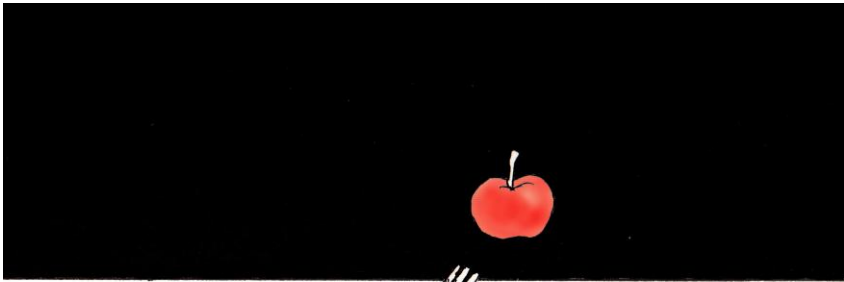
فصل سوم

سکسیت، جنسیت و جنس‌گونگی دگرباشان جنسی

جنس‌گونگی‌ها، هویت‌های مختلف دگرباشان جنسی و معادل‌یابی در زبان فارسی:

به دلیل اینکه گفتمان حوزه مطالعات جنسیت و گرایش جنسی هم در چهارچوب علوم پزشکی و هم در چهارچوب فلسفه، در کشورهای غربی شکل گرفته است، بسیاری از مفاهیم به شکل اولیه آن به زبان‌های غیر فارسی مطرح شده‌اند. معادل‌یابی برای این مفاهیم و واژگان، تبدیل به چالشی بزرگ در زبان فارسی شده است. از واژه سکس گرفته تا واژگان مختلف در توصیف گرایش‌های جنسی، هنوز معادل‌های مناسبی در زبان فارسی ساخته نشده است. بسیاری پیشنهاد می‌کنند که این واژگان همان‌طور که در زبان‌های غربی استفاده می‌شوند، به فارسی نوشته شوند. به عنوان مثال: لزبین = همجنس‌گرای زن را به فارسی نیز بنویسیم لزبین.

در خصوص این واژه‌ها و هویت‌هایی که توصیف می‌کنند، روزنامه‌نگاران و متخصصان ارتباطات بهتر است به هویت‌ها و واژگانی که خود افراد برای توصیف خودشان استفاده می‌کنند، دقت کنند. پیچیدگی‌های هویتی موجود، گاهی افراد را نسبت به آن هویتی که به ایشان نسبت داده می‌شود، حساس می‌کند. چنانچه در مورد هویت جنسیتی و تمایلات جنسی فردی مطمئن نیستید، بهتر است از واژگان عمومی‌تر و همه شمول‌تر مانند «دگرباش جنسی» استفاده کنید.



Tuka Neyestani

فصل چهارم

واژه‌ها و اصطلاحات مورد نیاز در حوزه جنسیت و گرایش جنسی

گوناگونی جنسی و روابط همجنس با همجنس در زبان فارسی: گوناگونی جنسیتی، جنس‌گونگی‌های متفاوت، روابط احساسی و جنسی همجنس با همجنس در ایران تاریخی وجود داشته‌اند و کلمات خاصی هم برای توضیح این مفاهیم وجود داشته است. اما تعاریف این مفاهیم دقیقاً دلالت بر معانی کلمات مشابه در فرهنگ انگلیسی زبان‌ها (یا زبان‌های دیگر لاتین) ندارد.^{۲۷}

افسانه نجم آبادی، به بررسی اجمالی تاریخ ایران و بررسی دقیق تاریخ قاجار پرداخته و در کتاب «زنان سبیلو، مردان بی‌ریش» تلاش کرده است که گوناگونی جنسیت‌ها، رفتارهای جنسی و گرایش‌های جنسی این دوران را تاریخ‌نگاری کند.^{۲۸}

سیروس شمیسا نیز توجه ویژه‌ای به مسأله «شاهدها» یا معشوق‌های مرد برای مردان در ادبیات فارسی دارد و به بررسی نقش «شاهد» در ادبیات فارسی در سده‌های مختلف تاریخی می‌پردازد.^{۲۹}

^{۲۷} جوزف مسعد متخصص تاریخ اندیشه، مدرنیته و سکسشوالیته در کشورهای عربی - اسلامی منتقد استفاده فراتاریخی از کلمات «گی»، «لژیبن»، «بایسکشوال»، «ترانسکشوال» و... (که در دنیای غرب جا افتاده‌اند) برای توضیح گوناگونی‌های هویت جنسی در کشورهای اسلامی و شرقی است. او معتقد است که برداشت‌های شرق‌شناسانه از مسأله جنسیت در کشورهای اسلامی و قوم‌نگاری‌هایی که به جا مانده است، این مناطق را همزمان به نوعی بهشت جنسی، مکانی پر از رفتارهای لذت‌جویانه جنسی و در عین حال مکانی پر خشونت نسبت به تمایلات جنسی افراد ترسیم می‌کند؛ نگاه کنید به:

Massad, Joseph. "Re-Orienting Desire: The Gay International and the Arab World." Public Culture. 14.2

^{۲۸} نگاه کنید به:

Najmabadi, Afsaneh. *Women with Mustaches and Men without Beards Gender and Sexual Anxieties of Iranian Modernity*. Berkeley: University of California Press, 2005

^{۲۹} شمیسا، سیروس. شاهدبازی در ادبیات فارسی. چاپ اول. تهران: چاپ خانه رامین، ۱۳۸۱.

افسانه نجم‌آبادی که سفرنامه‌های مستشرقان را بررسی کرده است، به حضور پسران و مردان جوانی که مانند زنان در دربار صفوی لباس می‌پوشند، آواز می‌خوانند و می‌رقصند اشاره کرده است. برای مسافران اروپایی‌ای مانند توماس هربرت (۱۶۸۲-۱۶۰۶) که با سفیر وقت انگلستان ایران گردی می‌کرده است، این پسران جوان ملبس به لباس زنانه، حکم دگرجنس‌پوش‌هایی را داشتند که زن شده‌اند، و اینطور برداشت کرده‌اند که روابط جنسی همجنس با همجنس بین مردان دیگر با آن‌ها، برقرار است. به غیر از توماس هربرت، افسانه نجم‌آبادی بسیاری از دیگر سفرنامه‌های اروپایی‌هایی را که به ایران سفر کرده بودند، نام می‌برد که در مورد روابط همجنس با همجنس در ایران نوشته‌اند. این مسافران اروپایی، قضاوت‌های مختلفی نسبت به این روابط ارایه داده‌اند؛ گاهی آن را مربوط به تفکیک جنسیتی و فشارهای جنس دانسته‌اند، گاهی از روابط غیرطبیعی زنان و بی‌مهری زنان به مردان و برعکس سخن گفته‌اند، و گاه نیز مستقیماً این روابط را مصداق «همجنس‌بازی» برداشت کرده‌اند.^{۳۰}

در عین اینکه منابع تاریخی در مورد روابط نزدیکی جنسی همجنس با همجنس در بین زنان، هنوز تاریخ نگاری نشده‌اند،^{۳۱} واژگانی همچون «سعتربازی» نیز در ادبیات فارسی یافت می‌شود که به مفهوم آمیزش جنسی دو زن باهم از طریق جسمی خارجی مانند «مچاچنگ» (دیلدوهای چرمی) است که زنی آن را به خود می‌بندد و بر روی زن دیگر عمل دخول انجام می‌دهد. در این منابع تاریخی، روابط همجنس با همجنس بین مردان با مردان جوان‌تر یا زیباتر تعریف شده بوده است.^{۳۲}

^{۳۰} نگاه کنید به «زنان سبیلو، مردان بی‌ریش» افسانه نجم‌آبادی؛ ص. ۲۴-۲۶.
^{۳۱} برای تاریخ نگاری دوستی‌های زنانه و نزدیکی‌های زنانه در ایران دوران صفوی (که لزوماً مربوط به روابط فیزیکی جنسی نیستند)، نگاه کنید به:

Companionship in Kathryn Babayan, "In spirit We Ate of Each Other's Sorrow: Female Sexualities: Translations Seventeenth Century Safavi Iran." Pp. 239-274 in *Islamicate across Temporal Geographies of Desire*, eds. Kathryn Babayan and Afsaneh Najmabadi, Harvard University CMES, 2008.

^{۳۲} افسانه نجم‌آبادی معتقد است که منابع تاریخی که در مورد مردان هستند اگر به صورت تحلیلی واکاوی شوند منابعی در مورد زنان نیز خواهند بود. با این حال ابراز تأسف می‌کند، کتاب «زنان سبیلو، مردان بی‌ریش» حاوی اطلاعات تاریخی زیادی در مورد روابط همجنس با همجنس در میان زنان نیست. او ذکر می‌کند که تاریخ نگاری روابط همجنس با همجنس در میان زنان، پروژه‌ای خواهد بود که مایل است دنبال کند.

آیچی، باچی: به ترکی مفهوم خواهر دارد و برای مردان نیز به کار می‌رفته است؛ مردی که از دخول در مقعدش لذت جنسی می‌برد و ترجیح می‌دهد با مردان دیگر رابطه جنسی از طریق دخول مقعدی ایجاد کند.^{۲۳}

شاهد: نوعی نظریازی در سنت صوفیان با پسران زیبا بوده است که زیبایی آنها شهادت وجود/قدرت/زیبایی خداوند قلمداد می‌شده است.^{۲۴}

بی‌ریش: نوعی رابطه همجنس با مردان یا پسرانی بوده است که موی صورت آنها کمتر از عموم مردان بوده است.^{۲۵}

مآبون: مآبون یا مرد **ابنه‌ای** مردی بوده است که معشوق مردان می‌شده است.^{۲۶}

کافرچه، مغیچه یا ترسایچه: معشوق مردان از ادیانی غیر از اسلام بودند و نوعی رابطه مثنوی جنسی بین مسلمانانی که با **کافرچه** عشق‌بازی می‌کرده، وجود داشته است. **کافرچه** اشاره به پسرکان از هر دینی غیر از اسلام، **مغیچه** اشاره به پسرکان زرتشتی و **ترسایچه** اشاره به پسرکان مسیحی دارد.^{۲۷}

آمرد، ساده و یا کوسه: امرد اشاره به جوانی داشته است که تازه ریش درآورده اما هنوز ریشش پرپشت نشده است. امردها معشوق مردان بودند و این صفت سنخیتی با «زن صفتی» نداشته است. به عبارتی مردان دیگر به امردها به دلیل «زنانه بودن» آنها جذب نمی‌شدند؛ امرد برای جذب مردی دیگر به خود، اجراگری زنانگی از خود

^{۲۳} نگاه کنید به «زنان سیپلو، مردان بی‌ریش» افسانه نجم آبادی؛ ص. ۲۱۲.

^{۲۴} نگاه کنید به «زنان سیپلو، مردان بی‌ریش» افسانه نجم آبادی؛ ص. ۱۷.

^{۲۵} نگاه کنید به «زنان سیپلو، مردان بی‌ریش» افسانه نجم آبادی؛ ص. ۲۵.

^{۲۶} ابن سینا در کتب پزشکی‌اش، مآبون بودن را نوعی بیماری از سر بی‌ارادگی تعریف می‌کند، اما برداشت ابن‌سینا همانند برخورد عالم پزشکی در اروپای قرن ۱۸-۱۹ نبوده، که همجنس‌گرا را به عنوان یک «گونه منحرف» مطرح می‌کند؛ نگاه کنید به «زنان سیپلو، مردان بی‌ریش» افسانه نجم آبادی؛ ص. ۱۷ و ۵۷.

^{۲۷} نگاه کنید به «زنان سیپلو، مردان بی‌ریش» افسانه نجم آبادی؛ ص. ۲۵۲.

بروز نمی‌داده است و نقش‌های جنیستی خود را به عنوان یک **امرد** حفظ می‌کرده است.^{۳۸}

امردنما: مردی بزرگسال است که به دلیل اینکه می‌خواهد مورد توجه جنسی و احساسی سایر مردان بزرگسال قرار بگیرد، آرایش بدنی، اجراگری جنیستی و رفتار عمومی‌اش را شبیه امردها می‌کند.

مخنث: مردی بزرگسال که تمایل به ایجاد رابطه با مردان بزرگسال دیگر داشته است و معمولاً خود را شبیه مردان جوان‌تر و بی‌ریش آرایش می‌کرده است. مخنث‌ها نیز به «زن صفتی» معروف نبودند و دلیل جذب شدن مردان دیگر به مخنث‌ها، زنانه بودن آنها نبوده است.^{۳۹}

آدم داری: سنت مردان بزرگسال برای مصاحبت جنسی، معاشرت و همراهی با مردان جوان‌تر از خود بوده که به مرد بزرگسال در این

رابطه «**ملحف**» (به مفهوم دربرگیرنده) می‌گفتند.^{۴۰} کسانی که این روزها با زبان فارسی در ارتباط هستند، می‌دانند که واژگان ذکر شده در بالا، دیگر عملاً منسوخ شده‌اند و این نوع روابط هم اگر وجود داشته باشد، این روزها اسم خاص یا رسم خاصی ندارد (به گونه‌ای که مثلاً «بی‌ریش»‌های دربار قاجار داشته‌اند). بیشتر دگرباشان جنسی در زبان فارسی، از واژگان مرسوم در غرب مانند **گی**، **لزیبن**، **ترنس** و **بای**

داشتن روابط جنسی با همجنس لزوماً به مفهوم همجنس‌گرا بودن نیست. هر مرد یا زنی که با همجنس خود رابطه جنسی برقرار می‌کند و یا به زبان فقهی «لواط» یا «مساحقه» می‌کند، لزوماً خود را همجنس‌گرا نمی‌داند. همجنس‌گرا بودن یک گرایش جنسی هویتی است که شخص برای خود انتخاب می‌کند یا با توجه به شرایط و قرائن آن را گرایش

^{۳۸} نگاه کنید به «زنان سیپلو، مردان بی‌ریش» افسانه نجم‌آبادی؛ ص. ۱۵-۲۵.

^{۳۹} نگاه کنید به «زنان سیپلو، مردان بی‌ریش» افسانه نجم‌آبادی؛ ص. ۱۶.

^{۴۰} نگاه کنید به «زنان سیپلو، مردان بی‌ریش» افسانه نجم‌آبادی؛ ص. ۲۴.

استفاده می کنند.^{۴۱} در ایران معاصر اما افرادی نیز هستند که تمایل به روابط جنسی همجنس با همجنس دارند، اما تمایلی به تعریف این روابط با گرایش جنسی ندارند.



^{۴۱} هلن کافی، در مطلبی که با عنوان «تهران: عشقی پرخطر» که در کتاب با عنوان *سکشوالیته و اروتیسم در میان مردان جوامع مسلمان* در سال ۱۹۹۱ منتشر شده است، می نویسد: (ادامه پانویس در صفحه بعد)
«در طول سال‌های پایانی حکومت شاه، شاهدبازی (که هیچ‌گاه رضایت شاهدا یا پسرها لحاظ نمی‌شد) آرام آرام جای‌اش را به همجنس‌گرایی (سبک غربی) داد. در ۱۹۷۷ همه مردم تهران شایعه ازدواج یک نقاش و یک موسیقی‌دان را دهان به دهان نقل می‌کردند. امروزه ناممکن است که بتوان علائق «ناهنجار و غیراسلامی» افراد را بر زبان آورد. اما حتی کورتین و شدیدترین سرکوب‌ها هم نمی‌تواند ماهیت انسان را تغییر دهد.... و نبود آزادی، حاشیه‌نشینی زنان، اقتصاد بیمار باعث می‌شوند تا هزاران اکبر [مردی همجنس‌گرا از طبقات فقیرتر جامعه ایران است] به تن‌فروشی رو کنند، باعث می‌شود تا سربازها تجاوزگر شوند، و باعث می‌شود تا هنرمندان همجنس‌گرا تن و روحشان را روانه تبعید کنند» (ترجمه از حمید پرنیان).
نگاه کنید به:

Helene Kafi. 1982. "Tehran: Dangerous Love". In: *Sexuality and Eroticism Among Males in Moslem Societies*. Edited by Arno Schmitt. New York: Haworth Press, 1992. 67-69.

روابط همجنس با همجنس در ایران معاصر:

با وجود تمام خشونت‌های قانونی، فراقانونی و محدودیت‌های اجتماعی، دگرباشان ایرانی در ایران شروع به صحبت کردن و نوشتن درباره زندگی‌هاشان کرده‌اند. هویت‌های انتخابی بسیاری از دگرباشان جنسی ایران معاصر همراه با جنبش جهانی دگرباشان جنسی است. بسیاری از دگرباشان جنسی ایرانی، از واژگانی که توسط جنبش جهانی حقوق همجنس‌گرایان، دوجنس‌گرایان و تراجنسیتی‌ها برای توصیف احساس‌های جنسی افراد به یکدیگر و پیامدهای اجتماعی این تمایلات و احساس‌ها تعریف شده، استفاده می‌کنند. داشتن روابط جنسی با همجنس لزوماً به مفهوم همجنس‌گرا بودن نیست. هر مرد یا زنی که با همجنس خود رابطه جنسی برقرار می‌کند و یا به زبان فقهی «لواط» یا «مساحفه» می‌کند، لزوماً خود را همجنس‌گرا نمی‌داند. همجنس‌گرا بودن، یک گرایش جنسی هویتی است که شخص برای خود انتخاب می‌کند یا با توجه به شرایط و قرائن آن را گرایش جنسی خود می‌داند. تفکیک بین کسی که رابطه جنسی با همجنس دارد و کسی که خود را همجنس‌گرا می‌داند در حوزه شخصی و «سایجکتیو» هر فرد است و خبرنگاران بهتر است به انتخاب واژگان افراد برای توضیح گرایش جنسی خود دقت کنند و هرکسی را که رابطه جنسی با همجنس دارد، همجنس‌گرا فرض نکنند.

تمایلات جنسی افراد سیال‌اند و افراد می‌توانند در زمان‌ها و موقعیت‌های مختلف، گرایش و تمایل جنسی متفاوتی داشته باشند. مهم است که مسئله اخلاق، حفظ حریم شخصی افراد، حق فردی بر تعیین سرنوشت، استقلال افراد برای ایجاد تغییر در هویت‌های جنسی و جنسیت‌شان، تمایلات و گرایش‌های جنسی افراد به رسمیت شناخته شوند. هرگونه به رسمیت نشاخن حقوق افراد برای داشتن گرایش جنسی و هویت جنسیتی متفاوت از مصادیق همجنس‌گراهراسی است که معضلی فرهنگی در جامعه ایران است.

همجنس‌گرا Homosexual: در دنیای «غرب» واژه «هوموسکسوال» به مفهوم همجنس‌گرا برای اولین بار توسط یک پزشک مجارستانی به نام کارولی ماریا کرتینی، در سال ۱۸۶۹ میلادی ساخته شد. کرتینی که بنا به روایت‌های مختلف، خود نیز همجنس‌گرا بود، به دنبال راهی بود تا رابطه همجنس با همجنس را طبقه بندی علمی کند تا به این وسیله

«توجهی» علمی برای حقانیت همجنس‌گرایان د مقابل مواخذه اجتماعی، سیاسی و مذهبی در اروپای قرن نوزدهم پیدا کند.

واژه «**هوموسکشوال**» در ساختار زبان لاتین از واژه یونانی «**homos**» به مفهوم «همان» یا «هم» و واژه لاتین «**sexualis**» به مفهوم «کنش سکس» یا کنش رابطه جنسی ساخته شد. به این ترتیب، **هوموسکشوال** یا همجنس‌گرا فردی است که با همجنس خود رابطه فیزیکی جنسی برقرار می‌کند.^{۴۲}

لزبین Lesbian: در زبان‌های با ریشه لاتین به مفهوم زنی است که تمایل و گرایش جنسی به همجنس خود دارد. واژه‌ای است که اسم خاص برای همجنس‌گرایان زن است. با اینکه واژه لزبین می‌تواند انواع لذت‌های بین دو یا چند زن را تداعی کند، شاخص گرایش جنسی و رابطه جنسی بین دو یا چند زن، بیشتر مد نظر است.

واژه **لزبین** در زبان فارسی معادل ندارد، اما با این حال در میان خود همجنس‌گرایان فارسی زبان، استفاده از واژه **لزبین** رواج دارد. برخی پیشنهاد کرده‌اند که از واژه «**بارونی**» که در زبان عامیانه به مفهوم نوع خاصی از رابطه عاشقانه یک زن نسبت به زنی دیگر است، به عنوان معادل استفاده شود. واژه «**بارونی**» عموماً به زنی یا دختری اطلاق می‌شود که عاشق زنی دیگر می‌شود و تأکید بر وجود تمایل جنسی و عاطفی دارد. مطالعات ریشه‌یابی در مورد این واژه، منتشر نشده است و برخی واژه «**بارونی**» را به اواخر دوران قاجار نسبت می‌دهند.^{۴۳}

^{۴۲} برای اطلاعات بیشتر در مورد «ساخته شدن» مفهوم همجنس‌گرا در گفتمان‌های پزشکی و روان‌پزشکی و سپس، ساخته شدن مفهوم همجنس‌گرایی در جوامع اروپایی در گذر تاریخ، رجوع کنید به:

Greenberg, David. *The Construction of Homosexuality*. Chicago: University of Chicago Press, 1990.

برای نگاه انتقادی به ساخته شدن مفهوم همجنس‌گرا در ساختار تادیبی علم پزشکی و روان‌پزشکی رجوع کنید به:

Foucault, Michel. *The History of Sexuality*. New York: Vintage Books, 1988.

^{۴۳} مطالعات آرشئوی افسانه نجم‌آبادی در کتاب «زنان سیپلو، مردان بی‌ریش نشان» می‌دهد که تعدادی از مستشرقان روابط خواهرخواندگی زنی را که باهم صیغه خواهری می‌خوانند، نوعی رابطه جنسی همجنس با همجنس خوانده‌اند. البته نجم‌آبادی منتقدانه این منابع را ذکر می‌کند و معتقد است هیچ مدرک تاریخی‌ای که نشانی برای وجود رابطه جنسی در صیغه خواهرخواندگی باشد، به جای نموده است (ص. ۲۸). بیشتر این مستشرقان در مورد فضاهای تفکیک شده جنسیتی چنین برداشت کرده بودند که رابطه همجنس با همجنس در این فضاها وجود دارد؛ برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به: (ادامه پانویس در صفحه بعد)

گی Gay: به مفهوم واقعی کلمه یعنی خوشحال یا بی‌خیال؛ اما در طی سال‌ها به صفتی برای توصیف همجنس‌گرایان (بیشتر همجنس‌گرایان مرد) تبدیل شده است. امروزه این واژه به عنوان اسم خاصی برای همجنس‌گرایان زن و مرد استفاده می‌شود. برای مشخص کردن جنسیت فرد «گی» از واژه‌های زن و مرد استفاده می‌شود؛ مثلاً «مرد گی» یا «زن گی» به ترتیب به مفهوم مرد همجنس‌گرا و زن همجنس‌گراست.

واژه «گی» به مفهوم همجنس‌گرا در بین خود همجنس‌گرایان از سال‌های ۱۹۲۰ رواج داشته و به عنوان اسم رمز استفاده می‌شده است. امروزه واژه «گی»، تبدیل به مفهومی جهانی شده و در بسیاری از زبان‌ها دقیقاً همین واژه به مفهوم همجنس‌گرا استفاده می‌شود (مثلاً در فرانسه، هلندی، دانمارکی، ژاپنی، سوئدی و انگلیسی).^{۴۴}

دگرجنس‌گرایی Heterosexuality: واژه‌ای برای توصیف تمایل و گرایش جنسی افراد به جنس مخالف خود است. این واژه در همان سال ۱۸۶۹ که واژه «هوموسکسوال» ساخته شد، به عنوان کلمه‌ای معادل برای دگرجنس‌گرایی به قصد ایجاد یک طبقه‌بندی علمی برای توضیح رفتارهای جنسی انسان‌ها، ساخته شد. فردی که می‌گوید دگرجنس‌گراست، به جنس مخالف جذب می‌شود و با جنس مخالف نزدیکی جنسی و سکس می‌کند.

دوجنس‌گرایی Bisexuality: واژه‌ای برای توصیف تمایل و گرایش هم به جنس مخالف و هم به همجنس است. عموماً در نظام دگرجنس‌گرا محور، این واژه به مفهوم تمایل و گرایش جنسی هم به زنان و هم به مردان است.

Najmabadi, Afsaneh. *Women with Mustaches and Men without Beards Gender and Sexual Anxieties of Iranian Modernity*. Berkeley: University of California Press, 2005,

^{۴۴} برای ریشه واژه «گی» نگاه کنید به: "Online Etymology Dictionary." Online Etymology Dictionary. N.p., n.d. Web. 24 Oct. 2012. <<http://www.etymonline.com/index.php?term=gay>>.

گرایش دگرباش جنسی Queer Orientation: معمولا واژه‌ای برای توصیف گرایش جنسی غیر دگرجنس‌گرا، که در محدوده همجنس‌گرایی یا دوجنس‌گرایی نمی‌گنجد، است. همچنین کسانی که مایل نیستند گرایش جنسی‌شان به سه حالت همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا و دگرجنس‌گرا محدود باشد، برای توصیف گرایش جنسی خود از واژه دگرباش جنسی استفاده می‌کنند.

در حوزه توصیف جنسیت و جنس‌گونگی، واژه دگرباش در مورد کسانی که نمی‌خواهند جنسیت‌شان محدود به دوگانه زن و مرد باشد نیز، استفاده می‌شود. در این حالت شخص خود را دارای جنسیت دگرباش (Queer Gender) معرفی می‌کند.

بی‌میلی به سکس یا آسکسوالیته Asexuality: در توضیح فقدان جاذبه جنسی به دیگران است؛ واژه‌ای برای توصیف حالتی است که فرد از کنش آمیزش جنسی، لذت نمی‌برد. افرادی هستند که گرایش جنسی خود را آسکسوال معرفی می‌کنند. مفهوم بی‌میلی به آمیزش جنسی با مفهوم «پرهیزکننده از سکس» متفاوت است. کسانی که به کنش آمیزش جنسی علاقه دارند و از آن لذت می‌برند اما با عاملیت خود تصمیم می‌گیرند که رابطه جنسی نداشته باشند، «پرهیزکننده» اند.

میان‌سکسی، میان‌جنسی یا اینترسکسوالیته Intersexuality: به عنوان واژه «صحیح سیاسی»، در علوم پزشکی، علوم انسانی و علوم اجتماعی، برای اطلاق به انسان‌هایی که ویژگی‌های فیزیکی و دستگاه تناسلی‌شان چیزی بین تر و ماده، هم تر و هم ماده و یا کاملا متفاوت از آنچه تر و ماده فرض می‌شود است، استفاده می‌شود. در فارسی و همچنین در ادبیات پزشکی فارسی به افراد میان‌سکسی، دوجنسی نیز گفته می‌شود و این به دلیل این است که برخی از میان‌جنسی‌ها، دارای آلت جنسی زنانه و مردانه توأم باهم‌اند.

هرمافرودیت Hermaphrodite: به شکل کلاسیک آن در ادبیات علوم پزشکی برای اطلاق به «بیمارانی» که دچار «ابهام تناسلی» هستند استفاده می‌شده است (این واژه هنوز در ادبیات پزشکی به زبان فارسی استفاده می‌شود). به دلیل «انگ‌آمیز» بودن واژه «هرمافرودیت» و «بیمار» دانستن این افراد، واژه «میان‌سکسی» به

عنوان واژه صحیح سیاسی، بیشتر کاربرد دارد. **موزایسم جنسی**، واژه‌ای است که در میان نظریه‌پردازان علوم انسانی در حوزه میان‌جنسی‌ها هستند، پیشنهاد شده است که تاکید به رسمیت شناختن گوناگونی‌ها در شاخص سکسیت و جنسیت دارد و برتری و اولویت بندی دوگانه زن و مرد را به چالش می‌کشد.^{۴۵}

دگرجنس‌شدگی، ترانس‌سکسیت یا ترانس سکسوالیته Transsexuality: این واژه حالتی را توصیف می‌کند که فرد تمایل به تغییر جنسیت، به جنسیتی متفاوت از آنچه در لحظه تولد خوانده شده است، دارد. به کمک پیشرفت‌های پزشکی، عمل تغییر جنسیت آناتومی و فیزیولوژی بدن هرکسی را می‌تواند با جراحی و با هرمون درمانی، تغییر دهد. به این ترتیب، فرد ترانجنسی یا دگرجنس‌شده، فردی است که تمایل ندارد با جنسیتی که در لحظه تولد با آن زاده شده است، ادامه زندگی دهد و می‌خواهد هویت جنسی‌ای متفاوت از سکس بیولوژیک تعیین شده در زمان تولدش داشته باشد. اما در بین ترانجنسی‌های فارسی زبان، واژه «**ترنس**» استفاده عمومی می‌شود. برای نشان دادن کیفیت تمایل به تغییر جنسیت معمولا کسانی که تمایل دارند از مرد به زن تغییر جنسیت بدهند را «**ام تو اف**» می‌خوانند. **ام تو اف** مخفف Male to Female به زبان انگلیسی است که در فارسی، در بین خود دگرباشان جنسی جا افتاده است. به همین ترتیب کسی که «**ترنس اف تو ام**» است، زنی است که تمایل دارد مرد باشد یا مرد بشود.

واژه **ترانس‌سکسوال** (یا ترانس‌سکشوال) و تقسیم‌بندی افراد بر اساس اینکه آیا عمل تغییر جنسیت صورت گرفته است یا نه، از تقسیم‌بندی‌های علم پزشکی و روان‌پزشکی بوده است که مورد نقد بسیاری از فعالین حقوق دگرباشان جنسی است (نفس بیماری بودن ترانس‌سکشوالیته مورد نقد است).^{۴۶} اسامی پزشکی برای افراد

^{۴۵} برای اطلاعات بیشتر در مورد تاریخ علم پزشکی و خشونت آن به افرادی که جنسیت بیولوژیک آنها مبهم بوده است، رجوع کنید به مقدمه کتاب:

Barbin, Herculine, and Michel Foucault. *Herculine Barbin: Being the Recently Discovered Memoirs of a Nineteenth-century French Hermaphrodite*. New York: Pantheon, 1980. Print.

^{۴۶} برای مطالعه ای فلسفی و نظری در حوزه عمل تغییر جنسیت و خشونت‌های خانوادگی و اجتماعی، نگاه کنید به کتاب فیلسوف جنسیت، جنس‌گونگی و گرایش جنسی جودیت باتلر:

Butler, Judith. *Undoing Gender*. New York: Routledge, 2004. Print.

ترانس‌سکشوال قبل و بعد از جراحی در زبان ترانجسنسی‌های فارسی زبان فارسی، جنبه‌ای هویتی یافته است. کسانی که هنوز جراحی نکرده‌اند خود را «ترنس قبل عملی» (ترجمه واژه انگلیسی pre-operative) می‌خوانند.^{۴۷}

ترانس‌سکشوالیته در ایران:^{۴۸}

ترانس‌سکشوالیته (یا ترانس‌سکشوالیته) به عنوان «اختلال هویت جنسی» برای اولین بار در ایران در سال‌های ۱۹۴۰ مطرح شد و بیشتر گفتمان‌های موجود روی تغییر جنسیت توسط مترجمان کتاب‌های پزشکی و روان‌پزشکی وارد زبان فارسی شد.^{۴۹} تا اینکه پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، در سال ۱۳۶۳ «مریم خاتون ملک‌آرا» موفق می‌شود آیت‌الله خمینی را مجاب کند،^{۵۰} که فتوایی برای اجازه تغییر جنسیت صادر کند.^{۵۱} از آن روز به بعد، ساختارهای مذهبی و حقوقی در رابطه با

^{۴۷} دیوید ولنتاین، مردم‌شناس، یکی از کامل‌ترین تحقیقات را روی جنبش تغییر جنسیت انجام داده است. او به ارتباط کلمات مختلف مورد استفاده کارشناسان پزشکی، روان پزشکی، کنشگران حقوق ترانسکشوال‌ها و اندیشمندان حوزه‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی و ارتباط این واژه‌ها در مقاطع مختلف تاریخی با برخوردهای تبعیض آمیز می‌پردازد. مسأله بیمار انگاشتن ترانس‌سکشوال‌ها با عنوان اختلال هویت جنسی یا Gender Identity Disorder همچنان محل اختلاف است. با این حال، به دلیل هزینه بسیار بالای عمل جراحی تغییر جنسیت و هرمون درمانی‌های دائمی، بیماری شمردن شرایط خاص ترانس‌سکشوال‌ها در بسیاری از کشورها مسأله گرفتن کمک‌های دولتی، (ادامه در صفحه بعد) استفاده از سرویس‌های تأمین اجتماعی و بیمه‌های درمانی را از لحاظ حقوقی برای ترانس‌سکشوال‌ها راحت‌تر کرده است. برای اطلاعات بیشتر در مورد نقد اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی انسانی به روند برخورد با ترانس‌سکشوال‌ها در علم زیست‌شناسی، پزشکی و روان‌پزشکی مراجعه کنید به کتاب دیوید ولنتاین:

Valentine, David. *Imagining Transgender: An Ethnography of a Category*. Durham: Duke University Press, 2007.

^{۴۸} برای اجراگری‌های ترانجسنسی یا ترانجینستی در افغانستان، نگاه کنید به:

Margaret Mills, "Sex Role Reversals, Sex Changes, and Transvestite Disguise in the Oral Tradition of a Conservative Muslim Community in Afghanistan," pp. 187-213, in *Women's Folklore, Women's Culture*, edited by Rosan A. Jordan and Susan J. Kalcik. SB

^{۴۹} نگاه کنید به تحقیق میدانی و تاریخی افسانه نجم آبادی:

Najmabadi, Afsaneh. "Transing and Transpassing across Sex-Gender Walls in Iran." *Women's Studies Quarterly* 36.3 & 4 (2008): 23-42 < <http://muse.jhu.edu/login?uri=/journals/wsq/v036/36.3-4.najmabadi.html> >.

^{۵۰} آیت‌الله خمینی قبلاً نیز در برداشت فقهی خود از مسأله روح و جسم به این نکته اشاره داشت که ممکن است کسی از لحاظ روحی در بدنی باشد که به وی تعلق ندارد. مسأله مخنث‌ها همیشه در فقه شیعه مطرح بوده است و آیت‌الله خمینی نیز به آن پرداخته است؛ نگاه کنید به: Khomeini, Ruhallah. *Tahrir al-wasila*. Najaf: Matba'at al-Adab, 1967.

^{۵۱} برای شرح کامل داستان تغییر جنسیت مریم خاتون ملک‌آرا نگاه کنید به:

Tait, Robert. "A *Fatwa* for Freedom." *Guardian*. 2005 July 27. <<http://www.guardian.co.uk/world/2005/jul/27/gayrights.iran>>

مسأله تغییر جنسیت در ایران تغییر بنیادین می‌کند و دولت ایران از طریق سازمان بهزیستی، یارانه‌های درمانی در اختیار کسانی قرار می‌دهد که دچار «اختلال هویت جنسی» اند. این مسأله که کشوری بنیادگرا، تبدیل به «بهیستی برای تراجنسی»ها شده است، توجه بسیاری از رسانه‌های غربی را جلب کرده است. به این ترتیب، مسأله تراجنسی‌های ایران از طریق رسانه‌ها، تولیدات فرهنگی و فیلم‌های مستند («تولد» در سال ۲۰۰۶ و «مانند دیگران» در سال ۲۰۰۸) به جهانیان منتقل می‌شود.^{۵۲}

^{۵۲} برای نمونه نگاه کنید به:

- Abdo, Geneve. "Sex-Change Iranian Hates Life as Woman." Guardian. 2000 June 20.
- Ellison, Jesse. "Be Like Others' Director Tanaz Eshaghian on Sundance, Sex Changes, and the Ayatollah." 24 Jan 2008. NYMag. 16 Sept. 2009 <http://nymag.com/daily/entertainment/2008/01/be_like_others_director_tanaz.html>.
- Eqbali, Aresu. "Iran's Transsexuals Get Islamic Approval, But!" September 2004. Online. 4 May 2009. <<http://www.middle-east- Middle East online.com/english/?id=11423>>.
- Fathi, Nazila. "As Repression Eases, More Iranians Change their Sex." New York Times. 2 August 2004.
- Harrison, Frances. "Iran's Sex-Change Operation." January 2005. BBC Newsnight. 4 May 2009. <http://news.bbc.co.Uk/1/hi/programmes/newsnight/4115535.stm>
- Ireland, Doug. "Change Sex or Die." May 2007. <http://d Ireland.typepad.com/d Ireland/2007/05/change_sex_or_d.html>.
- Jandaghian, Shohreh. "To be a Transsexual in Iran, an Interview with Director of "Birthday", Negin Kianfar." 6 Dec 2009. Cinema without Borders. Nov 4 2009 <<http://www.cinemawithoutborders.com/news/127/ARTICLE/1236/2007-03-31.html>>.
- Keung, Nicholas. "Iran's gays risk death for report: the perils of life in the fundamentalist state." 16 Feb. 2007. Toronto Star. 22 July 2009 <<http://www.thestar.com/article/182449>>.
- Najmabadi, Afsaneh. "Truth of Sex." 12 January 2005. Iranian.com. 7 March 2009. <<http://www.iranian.com/Najmabadi/2005/January/Sex/index.html>>.
- Najmabadi, Afsaneh. "Transing and Transpassing across Sex-Gender Walls in Iran." Women's Studies Quarterly 36.3 & 4 (2008): 23-42 <<http://muse.jhu.edu/login?uri=/journals/wsq/v036/36.3-4.najmabadi.html>>.
- Stack, Megan. "Changing Their Sexes in Iran." Los Angeles Times. 25 January 2005.
- Tait, Robert. "A Fatwa for Freedom." Guardian. 2005 July 27. <<http://www.guardian.co.uk/world/2005/jul/27/gayrights.iran>>

افسانه نجم‌آبادی که مشغول تحقیق در حوزه تاریخ ترانسسکسوالیته و هویت‌های معاصر ترانسسکسوال‌های ایرانی است، با اینکه نگاهی منتقدانه نسبت به روند تاریخی پزشکی محور شدن ترانسسکسوالیته در ایران دارد، بر این باور است که بیماری شمردن اختلال هویت جنسی تا حدودی هم به یاری تراجنسی‌ها آمده است و هم زندگی همجنس‌گرایان را تا حدودی کم در دسترتر کرده است.^{۵۳} نجم‌آبادی پس از انجام یک مطالعه میدانی در ایران، اکنون بر این باور است که اگر چه در ساختار قانونی و اجتماعی کشور ایران خشونت قابل توجهی نسبت به همجنس‌گرایان می‌شود، قانون تغییر جنیست فضای نسبتاً امن‌تری برای زنان و مردان همجنس‌گرا ایجاد کرده است که با انکا به فضای قانونی‌ای که مسأله «اختلال هویت جنسی» به وجود آورده است، کمی راحت‌تر به زیست خود ادامه دهند.^{۵۴}

در چهارچوب قوانین فقهی و عرفی کنونی ایران، توجه به اجبار به انجام عمل تغییر جنسیت اهمیت دارد؛ زیرا جمهوری اسلامی ایران تنها حقوق شهروندی و هویت جنسی و جنسیتی تراجنسیتی‌هایی را به رسمیت می‌شناسد که موافقت خود را با تغییر جنسیت به طور رسمی اعلام کرده باشند. این امر، نقض حقوق آن گروه از تراجنسیتی‌هایی است که تمایل به انجام عمل جراحی برای تغییر جنسیت ندارند.

^{۵۳} نگاه کنید به:

Najmabadi, Afsaneh. "Transing and Transpassing across Sex-Gender Walls in Iran." Women's Studies Quarterly 36.3 & 4 (2008): 23-42
<<http://muse.jhu.edu/login?uri=/journals/wsq/v036/36.3-4.najmabadi.html>>.

^{۵۴} نگاه کنید به ص. ۲۵:

Najmabadi, Afsaneh. "Transing and Transpassing across Sex-Gender Walls in Iran." Women's Studies Quarterly 36.3 & 4 (2008): 23-42
<<http://muse.jhu.edu/login?uri=/journals/wsq/v036/36.3-4.najmabadi.html>>.

فراجنسیتی، تراجنسیتی، دگرجنس گونه یا ترانس جندر :Transgender

این واژگان بیشتر دلالت بر جنبه جنس‌گونگی و جنسیت در افرادی دارد که هویت جنس‌گونگی آن‌ها فرای تعاریف مرسوم و دوگانه زن و مرد است. این واژه، برای همه افرادی که به نوعی جنسیت خود را تغییر می‌دهند یا ترجیح می‌دهند در هویت‌های جنسیتی متفاوت از سکسیت بیولوژیک‌شان، اجراگری جنسیتی داشته باشند، استفاده می‌شوند. این واژه تا حدودی هویت‌گرای نیز هست و همه افرادی را که به نوعی بین جنسیت‌های مختلف سیال در حرکت هستند، شامل می‌شود.^{۵۵}

استفاده از پسوند «ترا» یا «فرا» برای **Trans** محل اختلاف است. در معادل‌یابی اما وقتی از پسوند «فرا» استفاده می‌شود که مفهوم مورد بحث به نوعی خارج از چهارچوب‌های گفتمانی معمول تعریف شود. به این ترتیب، **فراجنسیتی** کسی است که جنسیت‌اش خارج از گفتمان‌های معمول جنسیتی، تعریف می‌شود.

تمام کسانی را که از روش‌های تغییر جنسیت استفاده می‌کنند - که شامل تغییر فیزیکی به کمک هرمون درمانی، عمل جراحی تغییر جنسیت، عمل جراحی پلاستیک برای برداشتن و یا گذاشتن برخی از اندام‌های جنسی ثانویه و یا تغییر ظاهری به کمک پوشاک مخصوص دگرپوشی مثل پستان‌های مصنوعی، کلاه گیس، آلت‌های جنسی مصنوعی، و لباس‌های زنانه یا مردانه است - می‌توان **تراجنسیتی** خواند. همچنین، کسانی را که از هیچ‌یک از این روش‌های تغییر جنسیت استفاده نمی‌کنند اما هویت جنسی خود را سیال و متفاوت از جنسیت زمان تولد خود، یا به طور کلی سیال بین زن و مرد می‌دانند، نیز می‌توان **فراجنسیتی** خواند.^{۵۶}

^{۵۵} برای توجه ویژه به تفاوت‌های جنس‌گونگی‌های مختلف که در زیرمجموعه قابل توضیح با واژه تراجنسیتی قرار می‌گیرند، نگاه کنید به:

Lombardi, Emilia. "Varieties of Transgender/Transsexual Lives and Their Relationship with Transphobia." *Journal of Homosexuality* 56.8 (2009): 977-92.

^{۵۶} نگاه کنید به:

Definition of Terms | UC Berkeley Gender Equity Resource Center. "Home | UC Berkeley Gender Equity Resource Center.
<http://geneq.berkeley.edu/lgbt_resources_definiton_of_terms#transgender>.

افراد تراجنسیتی ممکن است تمایل به انجام عمل تغییر جنسیت یا هورمون درمانی داشته باشند؛ یا هیچ تمایلی به ایجاد تغییر از طریق جراحی در بدن خود نداشته باشند. در هر دو صورت، آنها تراجنسیتی‌اند و عمل جراحی تغییر جنسیت از ملزومات تراجنسیتی بودن نیست. در چهارچوب قوانین فقهی و عرفی جمهوری اسلامی ایران، توجه به اجبار به انجام عمل تغییر جنسیت اهمیت دارد، زیرا جمهوری اسلامی ایران تنها حقوق شهروندی و هویت جنسی و جنسیتی تراجنسیتی‌هایی را به رسمیت می‌شناسد که موافقت خود را با تغییر جنسیت را به طور رسمی اعلام کرده باشند. این امر نقض حقوق آن گروه از تراجنسیتی‌هاست که به انجام عمل جراحی تغییر جنسیت تمایل ندارند.



دگرجنس‌پوش یا دگربوش، Transvestite: برای توصیف اجراگری جنسیتی کسی به کار می‌رود که پوششش، رفتارهای جنسیتی، زبان بدنی و لحن کلام جنسیتی‌ای متفاوت از جنسیت بیولوژیک/فیزیولوژیک خود را انتخاب می‌کند. تفاوت **دگرجنس‌پوش‌ها** با **تراجنسیتی‌ها** (ترانسکشوال‌ها) این است که افراد دگرجنس‌پوش با آناتومی و فیزیولوژی بدن خودشان راحت هستند و تمایل به تغییر این اندام‌های جنسی از طریق هورمون درمانی یا عمل جراحی ندارد. واژه دگرجنس پوش اشاره به اجراگری جنسیتی فرد دارد و هیچ ارتباطی به گرایش جنسی فرد ندارد.

برخی از تحلیل‌گران، دگرجنس‌پوشی را به نمایش نقش‌های جنسیتی جنس مخالف و تقلید از جنس مخالف تقلیل می‌دهند. اما برخی دیگر از تحلیل‌گران بر این باورند که کسی که نقش‌های جنسیتی‌ای متفاوت از جنسیت بیولوژیک خود را اجرا می‌کند، وارد وادی هویتی‌ای شده که دوگانه زن و مرد را دچار بحران کرده و هویت جنسی و جنسیتی فرد را

به وادی فراجنسیت سوق داده؛ این نوعی تعالی انقلابی یا حداقل استراتژی برای ارتقاء هویت فراجنسیتی در نمایش عمومی آن است.^{۵۷}

دوگانه پوشی یا Cross-Dressing: اشاره به افرادی دارد که معمولاً پوشش، آرایش و اجراگری جنس مخالف را انتخاب می‌کنند. معمولاً برای افرادی استفاده می‌شود که هم پوشش جنسیت خودشان را می‌پوشند و هم پوشش جنس مخالف را. دوگانه پوشی لزوماً ربطی به مسأله گرایش جنسی ندارد. بسیاری از مردان دگرجنس‌گرا هستند که از پوشیدن لباس‌های زنانه لذت می‌برند.^{۵۸} دوگانه پوشی برای آرمان‌خواهی نیز وجود داشته است و در طی تاریخ بسیاری از زنان برای راه یافتن به محافل مردانه، لباس مردانه می‌پوشیدند؛ چنانچه در ایران معاصر زنان برای راه یافتن به استادیوم‌های فوتبال لباس مردانه می‌پوشند. در دوران مشروطه نیز، برخی از زنان ایرانی برای حمایت از جنبش مشروطه لباس رزمی مردانه پوشیدند و به میدان رفتند.^{۵۹}

درگ کوئین Drag Queen: به مردی می‌گویند که معمولاً برای نمایش، طنز، شادی و تفریح، به شکلی کاریکاتورگونه لباس زنانه می‌پوشد و رفتار می‌کند. تمرکز اجراگری زنانه یک مرد «درگ»، بیشتر روی اغراق در اجرای زنانه، تقلید عشوه‌های زنانه، صدای زنانه و طنز است. این واژه در زبان فارسی معادل ندارد، ولی در تاریخ فرهنگی ایران مردان جوانی بوده‌اند که لباس زنانه می‌پوشیده‌اند و به عنوان هنرمند برای جمعی برنامه‌های مفرح همراه با ساز، آواز و رقص اجرا می‌کرده‌اند.^{۶۰}

^{۵۷} نگاه کنید به خلاصه تحقیقاتی که سلی هاینز بررسی کرده است:

Hines, Sally. *TransForming Gender: Transgender Practices of Identity, Intimacy and Care*. Bristol, U.K: Policy Press, 2007.

^{۵۸} مسأله دوگانه پوشی در غرب، تاریخی دیرینه دارد و دوگانه پوش‌های مرد که لباس زنانه می‌پوشیدند در نمایش‌نامه‌ها نقش‌های کلیدی زنان را (مثلاً در نمایش‌نامه‌های شکسپیر) بازی می‌کردند.

برای آشنایی بیشتر با نگرانی‌های انسان معاصر در غرب در مواجهه با مسأله دوگانه پوشی، نگاه کنید به:

Garber, Marjorie. *Vested Interests: Cross Dressing and Cultural Anxiety*. New York: Rutledge, 1997.

^{۵۹} ساناساریان، الیز. جنبش حقوق زنان در ایران (طغیان، افول و سرکوب از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۱۳۵۷). ترجمه نوشین احمدی خراسانی. چاپ اول. تهران: نشر اختران، ۱۳۸۴. ص. ۳۹-۴۱.

^{۶۰} در دوران معاصر، برنامه‌های رقص‌های روحوضی یا اجرای ملودی‌هایی درباره شخصیت‌های مذهبی با اجراگری هنرمندان مرد ملبس به لباس زنانه رایج بوده است. همچنین، در جشن‌های مذهبی یا مهمانی برای تمسخر شخصیت‌های مذهبی سنی (ادامه پانویس در صفحه بعد)

درگ کینگ Drag King: به زنانی می‌گویند که برای تفریح، شادی، اجرای نمایش یا حتی فرستادن پیامی فرهنگی/سیاسی/اجتماعی، به شکل اغراق آمیزی لباس مردانه می‌پوشند و اجراگری جنسی مردانه را به نمایش می‌گذارند. درگ کینگ به مفهومی که در زبان انگلیسی به کار می‌رود، هرگز در فرهنگ ایران تاریخی یا امروز وجود نداشته است.^{۶۱} اجراگری جنسیتی **درگ کینگ** هم لزوماً به گرایش جنسی افراد ارتباط ندارد.

زنامردی، نرمدگی یا آندروژنی Androgyny: واژه‌ای برای توصیف اجراگری جنسیتی افرادی است که نقش‌های جنسیتی هر دو جنس زن و مرد را انتخاب می‌کنند. ترکیب خصوصیات زنانه و مردانه در نمایش هویت اجتماعی، از خصوصیات ویژه افرادی است که با واژه **زنامردی** یا **نرمدگی** توصیف می‌شود. از بین دو معادل **زنامردی** و **نرمدگی** که توسط داریوش آشوری پیشنهاد شده‌اند، **نرمدگی** بیشتر در علوم زیست‌شناختی جا افتاده است و **زنامردی** در علوم انسانی و اجتماعی. افرادی که با تاکید واژه **زنامردی** بر دوگانه زن و مرد مشکل دارند، معمولاً خود را **چندجنسیتی Polygender**، دارای **جنسیت مبهم Ambigender**، یا **بدون جنسیت Genderless**، می‌خوانند. این واژه‌ها اشاره به سیالیت‌های جنسیتی دارند و بهتر است که روزنامه‌نگاران در مواجهه با افراد **زنامرد**، هویت‌های جنسیتی یا جنسی ایشان را از خود آنان جویا شوند.

(مانند مراسم عمرکشان که توهین و استهزا عمر بن الخطاب در فرهنگ شیعه مرسوم بوده و توسط دربار صفوی نیز تشویق می‌شده است)، مردان ملبس به لباس میدل زنانه، برنامه رقص و آواز اجرا می‌کردند. افسانه نجم‌آبادی چند مورد از این رقصنده‌های مرد زنانه‌پوش را در کتاب «زنان سیبیلو، مردان بی‌ریش» تاریخ‌نگاری کرده است. به عنوان مثال، نگاه کنید به «زنان سیبیلو، مردان بی‌ریش»، افسانه نجم‌آبادی؛ ص. ۲۵-۲۶. همچنین برای تحقیقی مفصل در حوزه جنسیت، جنس‌گونگی و هنرهای نمایشی در ایران نگاه کنید به:

in Gender in William O. Beeman, "Mimesis and Travesty in Iranian Traditional Theatre," Arts, ed. Laurence Performance: The Presentation of Difference in the Performing Senelick, Medford: MA, Tufts University Press, 2002.

^{۶۱} در فرهنگ غرب نیز، درگ کینگ‌ها با آغاز قرن ۲۰ام میلادی با به صحنه‌های نمایشی گذاشتن و معمولاً با لباس میدل، از شخصیت‌های معروف مانند خوانندگان مرد تقلید می‌کردند. چند مورد تاریخی از «شاه زن»ها وجود دارد که در تمام طول زندگی حرفه‌ای‌شان به عنوان یک هنرمند نمایشی یا خواننده، کسی تفهمید که آنها زنانند. برای اطلاعات بیشتر در مورد زندگی درگ کینگ‌ها در غرب نگاه کنید به:

Volcano, Del. The Drag King Book. London: Serpent's Tail, 1999.

تفاوت واژه **زن‌امردی** با واژه **دگرباش** جنسی در این است که برای فرد زن‌امردی چیزی به عنوان جنسیت مخالف جنسیت بیولوژیک مطرح نیست. فرد زن‌امرد، نقش‌های جنستی خود را با ترکیب زنانگی و مردانی (یا چند جنسیتی بودن) تعریف می‌کند و اصرار خاصی به زن بودن یا مرد بودن ندارد.^{۶۲}



^{۶۲} کارل گوستاو یونگ (۱۸۷۵ - ۱۹۶۱) روانپزشک و متفکر سوئیسی که همراه با فروید از پایه گذاران دانش روانکاوی شناخته می‌شود، معتقد بود که زن‌امردی خاصیت همه انسان‌هاست. به این ترتیب، روان هر فرد دارای شاخص‌های زنانه و مردانه است. جون سینگر در کتاب خود «آندروژنی: مخالف درون خود» با استفاده از آرای کارل یونگ نشان می‌دهد که چطور کسانی که در طول تاریخ چهارچوب‌ها، هنجارها و عرف‌های حاکم برای تعیین هویت‌های جنسی زمان خود را به چالش کشیده‌اند، به نوعی وارد وادی ابهام جنسیتی و آندروژنی شده‌اند. نگاه کنید به ص. ۲۶:

Singer, June. *Androgyny: the Opposites Within*. York Beach, ME: Nicolas-Hays, 2000.

فصل پنجم

زبان کوچه و خیابان: زبانی که بهتر است هر روزنامه‌نگار بیاموزد

برای اشاره به اقلیت‌های جنسی ایرانی از چه ترکیبی استفاده کنیم؟

اقلیت‌های جنسی، ترکیب خوبی است که تمامی هویت‌های جنسی/جنسیتی را که به نوعی در حاشیه هویت‌های جنسی غالب در جامعه قرار دارند، شامل می‌شود. نشریه چراغ، سازمان دگرباشان جنسی ایران و مدیر آن، ساقی قهرمان، از چند سال پیش موفق شده‌اند تا ترکیب **دگرباشان جنسی** را جا بیاندازند و این ترکیب که شامل همه هویت‌های اقلیت جنسی می‌شود، اکنون مورد استفاده بسیاری از رسانه‌های فارسی زبان است و گاه نیز در زبان کوچه و خیابان به کار می‌رود.

«زبان خیابانی» خود اقلیت‌های جنسی ایرانی، اصطلاح‌های جنبش جهانی دگرباشان جنسی را پذیرفته است و ممکن است روزنامه‌نگاران در وبلاگ‌ها یا در مصاحبه با افرادی که متعلق به جامعه دگرباشان جنسی ایرانی‌اند واژه **LGBT** (دقیقا می‌گویند ال جی بی تی) را بسیار بشنوند یا بخوانند. این عبارت مخففی است برای ترکیب انگلیسی **Bisexual, Transgender Lesbian, Gay** که معمولاً برای اطلاق به جامعه غیر دگرجنس‌گراها استفاده می‌شود، در فارسی معمولاً به جای این مخفف از کلمه **دگرباش جنسی** استفاده می‌شود، اما دگرباش و «ال جی بی تی» هم معنی نیستند.

کوئیر، واژه دیگری است که این روزها زیاد به فارسی استفاده می‌شود. طرفداران استفاده از این واژه می‌گویند که زبان فارسی

بسیاری از مفاهیم مانند لیبرالیسم و فمینیسم را که معادل‌یابی برای آن‌ها در فارسی مشکل بوده است، پذیرفته است، چرا از کلمه **کوئیر** آن‌چنان که در زبان انگلیسی (و دیگر زبان‌ها) استفاده می‌شود، در فارسی استفاده نکنیم؟

زبان خیابانی اقلیت‌های جنسی فارس زبان، مردان همجنس‌گرا را «**گی**» خطاب می‌کند. کمتر کسی را پیدا می‌کنید که به زبان خودمانی و بین دوستانش خود را به جای «**گی**»، «**مرد همجنس‌گرای ایرانی**» بخواند.

ممکن است روزنامه نگاران در وبلاگ‌ها یا در مصاحبه با افرادی که متعلق به جامعه دگرباشان جنسی ایرانی‌اند واژه LGBT (دقیقا می‌گویند ال جی بی تی) را بسیار بشنوند یا بخوانند. این عبارت مخفی است برای ترکیب انگلیسی , Bisexual Lesbian, Gay, Transgender, که معمولاً برای اطلاق به جامعه غیر دگرجنس‌گراها استفاده می‌شود

زنان همجنس‌گرای ایرانی عموماً خود را **لزبین** می‌خوانند. تراجنسی‌ها و تراجنسیتی‌ها مخفف «**ترنس**» را انتخاب کرده‌اند. دوجنس‌گرا هم مخفف «**بای**» برای «**بای سکشوال**» را انتخاب کرده‌اند و بسیار ممکن است بشنوید: من «**بای**» هستم.

واژه «**کونی**» که در زبان فارسی ناسزا محسوب می‌شود، در بین برخی از همجنس‌گرایان به عنوان اسم خاص برای خطاب کردن دوستان یا معرفی هویت خود استفاده می‌شود. همچنین واژه «**بارونی**» که در زبان فارسی برای تحقیر زنان لزبین استفاده می‌شده است، توسط برخی از زنان دوجنس‌گرا و همجنس‌گرا واژگون شده است و ممکن است خود را **بارونی** خطاب کنند.

برای روزنامه‌نگاران استفاده از این کلمات، به ویژه کلمه‌های «**کونی**»، «**ابنه‌ای**»، «**اواخواهر**»، «**کونده**» و حتی گاهی «**همجنس‌باز**» زنگ خطر استفاده از زبان نفرت و خشونت زبانی است. اگر چه شاید در زبان

خیابان و بین «خودی»ها این کلمات واژگون شده و مفهوم مثبت پیدا کرده باشند، اما در عرف عمومی همچنان کلماتی توهین‌آمیز و ناسزا محسوب می‌شوند و استفاده از آنها از اخلاق حرفه‌ای به دور است.



زبان کوچک و خیابان دگرباشان فارس‌زبان، اما محدود به واژه‌های گی، لزبین، ترنس و بای نمی‌شود. بسیاری از اسامی خاص از فرهنگ اقلیت‌های جنسی انگلیسی زبان به فارسی راه یافته‌اند که تعدادی از آنها را که بیشتر مورد استفاده هستند، معرفی می‌کنیم. بسیاری از این واژه در نبود فرهنگ بومی حمایتی از دگرباشان جنسی، از زبان انگلیسی و مخصوصاً تولیدات فرهنگی حامی دگرباشان جنسی و حتی صنعت پورنوگرافی وارد زبان دگرباشان جنسی ایرانی شده‌اند.

استریت Straight: به مفهوم واقعی کلمه در

زبان انگلیسی یعنی مستقیم و صاف؛ اما بیشتر به مفهوم کسی است که منحرف نشده است. به زبان خودمانی به دگرجنس‌گراها می‌گویند. در زبان انگلیسی این کلمه بسیار باب شده است و مفهومی هویتی پیدا کرده است. بسیاری از افراد دگرجنس‌گرا



برای بیان دگرجنس‌گرایی، خود را با کلمه «استریت» معرفی می‌کنند. «استریت» دقیقاً با همین املاء در زبان فارسی خودمانی اقلیت‌های جنسی نیز مورد استفاده و بسیار متداول است. مثال: «س: علی گی است؟ ج: نه بابا، علی استریت استریت است!»

سکس کردن: به عنوان یک فعل بیانگر نزدیکی جنسی یا آمیزش، مدت‌هاست که در فارسی استفاده می‌شود. مثال: «دیشب با مریم سکس کردم.»



دایک Dyke: واژه‌ای توهین‌آمیز برای استهزاء زنان لژیون بوده است و در اواخر قرن ۱۹م میلادی به مفهوم «فرج» یا «مهبل» به زبان انگلیسی استفاده می‌شده است.^{۳۳} امروز بسیاری از زنان همجنس‌گرای ایرانی که در خارج از ایران زندگی می‌کنند، به مانند جنبش‌های جهانی زنان همجنس‌گرا، خود را **دایک** می‌نامند. مثال:

«غزل هم دایک است؛ امشب با ما به مهمانی دایک پارتی خواهد آمد.» به زنان همجنس‌گرایی که همسو با هنجارهای زیبایی زنانه جامعه به سر و وضع خود و آرایش خود می‌رسند، به شوخی «دایک **ماتیک زن**» یا **لیپستیک دایک Lipstick Dyke** می‌گویند.

بوچ Butch: از ریشه کلمه **Butcher** به مفهوم قصاب است که صفتی است برای بیان کردن کلفتی صدا و صفات قلدرانه داشتن. این صفت هم برای همجنس‌گرایان زن به کار می‌رود و هم برای همجنس‌گرایان

^{۳۳} نگاه کنید به:

"Online Etymology Dictionary." Online Etymology Dictionary. N.p., n.d. Web. 3 Nov. 2012. <<http://www.etymonline.com/index.php?term=dyke>>.

مرد و بیان کیفیت زن یا مردی است که قوی، دارای شخصیت غالب و به طنز بگوییم گردن کلفت رابطه باشد. در مورد همجنس‌گرایان مرد به کسانی گفته می‌شود که بدن‌های ورزیده عضلانی دارند و کلیشه‌های مردانه را به مفهوم قوی بودن، زور داشتن و حمایت‌گر بودن، اجرا می‌کنند. زنان بوچ هم در میان لژیون‌ها کسانی هستند دارای همین خاصیت‌ها هستند و گاهی کلیشه‌های «مردانه» بودن را اجرا می‌کنند.



فم Fem: مخفف کلمه Feminine به مردان و زنان دگرباش جنسی‌ای می‌گویند که عرف‌های زنانگی را اجرا می‌کنند. فرد فم چه زنی لژیون باشد، چه مردی گی و چه ترنس، عشوه‌گر خواهد بود، صدایی نازک‌تر از حد عادی صدای خود خواهد داشت، و با ناز و خرامان راه می‌رود. معمولاً این‌ها صفات توصیفی هستند که خود افراد همجنس‌گرا برای خود انتخاب می‌کنند. اگر به یک سایت دوست‌یابی دگرباشان جنسی بروید، خواهید یافت که بسیاری خود را با کلمات **فم** و **بوچ** توصیف کرده‌اند.

بچه خوشگل یا تویکی مخفف کلمه Twinkle: به مفهوم ستاره‌ای که می‌درخشد یا چشمک می‌زند در زبان انگلیسی **تویکی** را به مردان همجنس‌گرای جذاب و زیباروی می‌گویند. معمولاً نوعی تحسین از زیبایی فرد است. در زبان فارسی، دگرباشان جنسی ترکیب «**بچه خوشگل**» را که در زبان کوچه و خیابان به عنوان تحقیر پسران جوان استفاده می‌شده است، واژگون کرده‌اند و از آن عنوان مفهومی مثبت برای توصیف زیبایی‌های فرد همجنس‌گرا استفاده می‌کنند.

خرس Bear: برای مردان همجنس‌گرا با جثه‌های بزرگ و بدن‌های پشم‌آلود به کار می‌رود. خرس‌ها طرفداران بسیاری دارند و در صنعت پورونگرافی زانری مخصوص خود هستند. واژه **بابا خرس** Daddy Bear نیز مفهوم جنسی دارد و به همجنس‌گرایان مسن‌تری می‌گویند که جثه‌ای بزرگ و بدن‌های پشم‌آلود دارند.



تاپ Top: به مفهوم بالا است و در روابط جنسی به فردی اطلاق می‌شود که تمایل دارد نقش غالب‌تری در رابطه جنسی داشته باشد. این واژه نیز به زبان همجنس‌گرایان فارسی زبان راه یافته است و بسیار می‌شنوید که کسی در یک سایت دوست‌یابی یا در معرفی خود می‌گوید: «**من فقط تاپ هستم**». در رابطه جنسی بین مردان



همجنس‌گرا «**من فقط تاپ هستم**» به مفهوم این است که من تمایل دارم در رابطه، نقش به اصطلاح فاعل یا «کننده» را بپذیرم. در روابط مردان، این معمولاً به این مفهوم است که مرد تاپ علاقه دارد که به کسی از طریق مقعد دخول کند، اما علاقه‌ای ندارد که کسی به او دخول کند. تاپ بودن در روابط بین زنان همجنس‌گرا نیز مفهوم دارد. وقتی زنی می‌گوید من **تاپ هستم** به مفهوم این است که ترجیح می‌دهد نقش فعال‌تری در رابطه داشته باشد و به نوعی روابط جنسی در بستر نزدیکی را کنترل نسبی کند. بسیاری از زنان لژیون به هر حال از اسباب‌بازی‌های جنسی مانند دیلدو و مچ‌اچنگ استفاده می‌کنند و زنی که می‌گوید من تاپ هستم، معمولاً کسی است که دیلدو را به خود خواهد بست.

بات Butt: به مفهوم **کپل** است و برای توصیف تمایل همجنس‌گرایانی استفاده می‌شود که ترجیح می‌دهند نقش شونده یا به اصطلاح مفعول را در نزدیکی جنسی، ایفا کنند. این کلمه هم مورد استفاده زنان دگرباش جنسی است و هم مردان. در مردان، به مفهوم کسی است که ترجیح می‌دهد در رابطه نزدیکی جنسی، به او دخول شود. در میان زنان همجنس‌گرا نیز مفهوم مشابه دارد، اما بیشتر به مفهوم کسی است که ترجیح می‌دهد یا لذت می‌برد کنترل نسبی سکس به دست پارتنرش باشد.

ورستایل Versatile: به مفهوم تطبیق پذیر، دارای استعداد و ذوق فراوان یا تنوع پذیر است و در روابط جنسی و نزدیکی جنسی به کسی می‌گویند که هم می‌تواند **تاپ** باشد، هم **بات** و یا چیزی بین این‌ها. اگر به سایت‌های دوست‌یابی اقلیت‌های جنسی سر بزنید یا به کلاب دگرباشان جنسی بروید، این کلمه زیاد به گوش‌تان خواهد خورد.

کسانی که **ورستایل** هستند، ممکن است در حین نزدیکی با شریک جنسی خود تصمیم بگیرند نقش **بات** را بگیرند یا **تاپ** یا چیزی بین این دو. بیان اینکه «**من ورستایل هستم**»، عمومیت بیشتری دارد. این کلمه هم عیناً در فارسی خیابانی اقلیت‌های جنسی استفاده دارد.



اکتیو Active: باز هم در میان واژگان جنسی فارسی زبان‌ها یافت می‌شود. مثلاً جمله‌ای شبیه به «صبا خیلی در سکس اکتیو است» را زیاد خواهید شنید. اکتیو بودن در سکس به مفهوم فعال و متحرک بودن است.

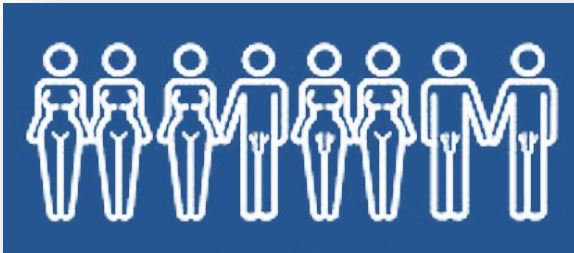
پاسیو Passive: صفتی است که به مفهوم غیر فعال یا کمتر فعال بودن در نزدیکی جنسی و سکس به کار می‌رود. معمولاً به شریک جنسی‌ای گفته می‌شود که نسبت به شریک دیگر کمتر در کار کنترل رابطه جنسی و نشان دادن علاقه برای تحرک است. این کلمه در فارسی استفاده می‌شود. مثال: «مهران همینطور روی تخت می‌خوابد، خیلی پاسیو است.» این واژه هم برای زنان و هم برای مردان کاربرد دارد.

سکس سافت Soft Sex: به مفهوم رابطه جنسی‌ای که ملایم‌تر است و معمولاً مربوط به دخول یا عدم دخول جنسی به مقعد یا مهبل است. **سکس سافت** می‌تواند شامل بوسیدن، در آغوش گرفتن، رورفتن، لمس اندام‌های جنسی، بوسیدن اندام‌های جنسی، خوردن

اندام‌های جنسی، مالش اندام‌های جنسی به هم یا ارضاء اندام‌های جنسی با اندام‌های دیگر بدن شریک جنسی باشد. معمولاً در بین دگرباشان جنسی مرد، **سکس سافت** به این مفهوم است که دخول از ناحیه مقعد صورت نگرفته است.

سکس هارد یا هاردکور Hard or Hardcore Sex: مسأله اصلی در سکس هاردکور که در زبان فارسی خیابانی هم به آن هارد سکس یا هاردکور می‌گویند، دخول به مهبل یا مقعد است.

سکس دهانی، اورال Oral Sex: واژه‌ای است که در نبود واژگان توصیفی در فارسی برای سکس دهانی، در بین دگرباشان جنسی بسیار جا افتاده است. مثال: «آن شب فقط در حد اورال باهم بوده‌ایم».



فصل ششم

آشکارسازی و فرهنگ «گنج»

آشکارسازی Coming Out: به مفهوم برون‌آبی و آشکارکردن هویت و گرایش جنسی خود در فضاهای عمومی است. به فرآیندی گفته می‌شود که در آن، دگرباشان جنسی در مورد گرایش جنسی‌شان با افراد دیگر صحبت می‌کنند و آن‌ها را نسبت به هویت جنسی‌شان آگاه می‌کنند.

گنج یا Closet استعاره برای زندگی مخفی دگرباشان جنسی است. معمولاً افرادی که هنوز در مورد هویت و گرایش جنسی خود آشکارسازی نکرده‌اند، خود را «**درون گنج**» معرفی می‌کنند. به عنوان مثال، می‌گویند «**من هنوز درون گنج مخفی‌ام**» و این استعاره، نشان از زندگی مخفیانه همجنس‌گرایانه دارد. با آنکه آشکارسازی در آغاز همراه با جنبش‌های عدالت‌خواهی همجنس‌گرایان در اروپا و آمریکا در سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ مطرح شد، کم‌کم جهانی شده و امروزه توسط دگرباشان جنسی ایرانی نیز به کار می‌رود. نشریات و رسانه‌های دگرباشان جنسی ایرانی، مقالات بسیاری در مورد آشکارسازی به خانواده، آشکارسازی به همسر (در مورد دگرباشان مزدوج با همسر دگرجنس‌گرا)، آشکارسازی به فرزندان و غیره منتشر کرده‌اند.^{۶۴} با این حال، بسیاری از تحلیل‌گران حوزه جنیست و گرایش جنسی، به نگاه قهرمانانه به فرآیند آشکارسازی با دیدی منتقدانه می‌نگرند. به اعتقاد برخی از این پژوهشگران، اگرچه آشکارسازی اقدامی شجاعانه برای دفاع از هویت و گرایش جنسی فرد است، همه دگرباشان جنسی در موقعیتی نیستند که بتوانند در آن مسیر گام بردارند. هرنوع داور و ارزش‌گذاری می‌تواند به مثابه اعمال خشونت

^{۶۴} مطالب قابل توجهی در مورد آشکارسازی در نشریه هومان، نشریه چراغ و صفحه دگرباش رادیو زمانه تا به امروز به زبان فارسی، به انتشار رسیده است.

نسبت به افرادی باشد که هنوز امکان یا تمایل به آشکارسازی ندارند.^{۶۰} آشکارسازی، فرآیندی است که باید توسط خود فرد دگرباش جنسی اتفاق بیفتد؛ هرگونه فشار برای آشکارسازی، از مصادیق خشونت است. همچنین، آشکارکردن گرایش جنسی افراد برای دیگران بدون اجازه آنها از مصادیق همجنس‌گراستیزی است و در بسیاری از قوانین مدنی در کشورهای غربی، جرمی مدنی محسوب می‌شود. خبرنگاران و روزنامه نگاران باید دقت کنند که به هیچ وجه گرایش جنسی افرادی که سوژه خبری شده‌اند یا مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند، آشکارنشود؛ مگر آنکه خود فرد نسبت به انتشار آن اطلاعات آگاه باشد و اجازه داده باشد. فرم‌های اجازه‌نامه که بسیاری از رسانه‌ها امروز از آنها استفاده می‌کنند، برای کسب اجازه از افراد برای آشکار کردن هویت جنسی ایشان، توسط روزنامه‌نگاران و تهیه‌کنندگان استفاده می‌شود. اگر به مصاحبه‌ای می‌روید که می‌دانید ممکن است این فرم‌ها لازم شود، از مسئول روابط عمومی سازمان خود یا کسانی که مشاوران اخلاق حرفه‌ای هستند، سراغ این فرم‌های اجازه نامه را بگیرید و نحوه استفاده از آنها را جویا شوید.

اگرچه آشکارسازی اقدامی شجاعانه برای دفاع از از هویت و گرایش جنسی فرد است، همه دگرباشان جنسی در موقعیتی نیستند که بتوانند در آن مسیر گام بردارند. هر نوع داوری و ارزش‌گذاری می‌تواند به مثابه اعمال خشونت نسبت به افرادی باشد که هنوز امکان

^{۶۰} برای مطالعه برخی از منتقدین فرهنگ گنجه و آشکارسازی نگاه کنید به: Eskridge, William N. "Privacy Jurisprudence and the Apartheid of the Closet, 1946-1961." Florida State University Law Review. Summer, 1997
Horn, Eva. "Knowing the Enemy: The Epistemology of Secret Intelligence." Grey Room. (11) Spring 2003. pp. 58-85
Love, Heather. Feeling Backward: Loss and the Politics of Queer History. Cambridge: Harvard UP, 2007
Sedgwick, Eve. Epistemology of the Closet. Berkeley: U of California Press, 1990

فصل هفتم

همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا و تراجنسیتی‌ستیزی

همجنس‌گراهراسی، همجنس‌گراستیزی یا Homophobia: مفهوم دقیق این واژه یعنی ترس از همجنس‌گرایی؛ اما در عین حال به مفهوم همجنس‌گراستیزی نیز به کار می‌رود. مخالفت به شکل بیان کلام تنفرآمیز، تمسخر و استهزاء، توهین و خشونت‌های بیانی، کلامی و فیزیکی نسبت به همجنس‌گرایی، همجنس‌گرایان، فرهنگ روابط همجنس با همجنس، نحوه زندگی همجنس‌گرایان در حوزه همجنس‌گراهراسی و یا همجنس‌گراستیزی می‌گنجد.

در بسیاری از کشورهای غربی، خشونت‌ورزی نسبت به اقلیت‌های جنسی از جمله «جرائم نفرت‌ورزی» به شمار می‌رود. انتشار مطالبی که حاوی خشونت کلامی به همجنس‌گرایان باشد، چنانچه در کشور محل سکونت شما نیز جرم محسوب شود، می‌تواند برای شما به عنوان روزنامه نگار، منجر به تبعات سنگین حقوقی شود. همچنین تبعیض ورزیدن بر اساس گرایش جنسی، در بسیاری از کشورهای غربی (تمام کشورهای اروپایی، کانادا، آمریکا و استرالیا و نیوزلند و ژاپن) جرم مدنی است. چنانچه در فضای کاری، آموزشی و



اجتماعی تبعیض به گونه‌ای باشد که فرد دگرجنس‌گرایی دارای مصونیت و حقوق ویژه‌ای باشد که دگرباشان جنسی از آن حقوق بهره‌مند نیستند، این امر نیز مصداق تبعیض بر اساس گرایش جنسی، همجنس‌گراهراسی و همجنس‌گراستیزی است و دارای حق پیگرد قانونی در چهارچوب قانون مدنی خواهد بود. اگر خشونت به حد خشونت فیزیکی، تهدید جان و سلامت جانی افراد برسد، جرم جنایی است و پیگرد کیفری می‌شود.

دوجنس‌گراهراسی، دوجنس‌گراستیزی، تراجنسیتی‌هراسی و تراجنسیتی ستیزی

این تعابیر نیز، مانند تعاریفی که پیش‌تر در مورد همجنس‌گراستیزی ارائه شد، به تبعیض‌ها و خشونت‌هایی مربوط می‌شود که علیه دوجنس‌گرایان و تراجنسیتی‌ها اعمال می‌شود. صفحه ویکی‌پدیا با عنوان «حقوق همجنس‌گرایان در کشورها و سرزمین‌های مختلف»⁶⁶ LGBT Rights by Country or Territory به همت بسیاری از کنش‌گران دگرباش جنسی، مدام در مورد قوانین کشورهای مختلف در حوزه دگرباشان جنسی، به‌روز می‌شود. خبرنگاران و پژوهش‌گران بهتر است همیشه در مورد اینکه کشور سکونت‌شان و کشورهای که برای تهیه گزارش به آنجا سفر می‌کنند، چه قوانینی نسبت به دگرباشان جنسی و مساله روابط همجنس با همجنس وضع کرده‌اند، به‌روز باشند.

خبرنگاران و پژوهشگران بهتر است همیشه در مورد اینکه کشور سکونت‌شان و کشورهای که برای تهیه گزارش به آنجا سفر می‌کنند، چه قوانینی نسبت به دگرباشان جنسی و مساله روابط جنسی با همجنس وضع

⁶⁶http://en.wikipedia.org/wiki/LGBT_rights_by_country_or_territory

فصل هشتم

تاریخچه «درمان» دگرباشان جنسی

در بسیاری از کشورها بیمار انگاشتن همجنس‌گرایان، دوجنس‌گرایان یا تراجنسیتی‌ها به واسطه گرایش جنسیشان از مصادیق تبعیض و خلاف قانون است. اما در شرایط همیشه برای دگرباشان جنسی حتی در دمکرات‌ترین کشورها چنین نبوده است.

همجنس‌گرایی دیگر بیماری به شمار نمی‌آید

تا قرن نوزدهم، آمیزش همجنس با همجنس (به خصوص بین مردان) در اروپا تحت نفوذ کلیسا و احکام عمومی مسیحیت به عنوان «اعمال غیر طبیعی»، «جنایت علیه طبیعت»، و «لواط» گناه و جرم محسوب می‌شد. در سال ۱۵۳۳، تحت تاثیر همین قوانین و احکام مذهبی، انگستان اولین قانون سکولار جرم انگاشتن «عمل شنیع لواط» را تصویب کرد که در آن مردان مجرم به دار مجازات آویخته می‌شدند. پای علم پزشکی و روان پزشکی زمانی به دادگاه‌های «لواط» باز شد که مردان بازداشت شده مورد سوء ظن به لواط، به پزشکان قانونی فرستاده می‌شدند تا پس از معاینات، تعیین شود که آیا آمیزش جنسی از طریق مقعد صورت گرفته است یا خیر. اولین کتب مربوط به مطالعه همجنس‌گرایان به عنوان «منحرفان جنسی» را در سده ۱۹ میلادی را همین کارشناسان پزشکی قانونی به انتشار رساندند.^{۷۶} با مطرح شدن

^{۷۶} برای به دست آوردن اطلاعات تاریخی در خصوص تاریخ جرم انگاری، جرم زدایی و بیماری پنداشتن روابط همجنس با همجنس در اروپا، نگاه کنید به: "LGBT Mental Health Syllabus." *Association of Gay and Lesbian Psychiatrists*. N.p., n.d. Web. 3 Nov. 2012. <http://www.aglp.org/gap/1_history/#Sodomy_and_Other_Crimes_Against_Nature>.

همچنین:

Betteridge, Tom. *Sodomy in early modern Europe*. New York: Manchester University Press, 2002.

علم روانکاوی در اروپا، سیگموند فروید، کارل یونگ، جوزف بروئر، ویلیهام فلیس، شاندرور رادو، اروینگ بئر و بسیاری از روانکاوان دیگر به کرات در مورد مسأله رابطه جنسی همجنس با همجنس نوشتند.^{۶۸}

در سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ تحت تاثیر جنبش‌های عدالت خواه جنسی مانند جنبش زنان، جنبش هیپی‌ها و جنبش همجنس‌گرایان در ایالات متحد آمریکا، فرهنگ عمومی نسبت به روابط جنسی همجنس با همجنس تغییر کرد. در سال ۱۹۷۳، انجمن روان‌پزشکی آمریکا یا The American Psychiatric Association همجنس‌گرایی را بیماری‌زدایی کرد. انجمن روان‌پزشکی آمریکا، مفاهیم مربوط به بیماری شمردن همجنس‌گرایی را از راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی و یا Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders در سال ۱۹۷۳ کرد.^{۶۹} در ۱۷ ماه مه سال ۱۹۹۰ سازمان بهداشت جهانی یا World Health Organization اعلام کرد که همجنس‌گرایی بیماری نیست. به همین مناسبت روز ۱۷ ماه مه، هر ساله به عنوان روز جهانی مبارزه با هراس از همجنس‌گراها و تراجنسیتی‌ها جشن گرفته می‌شود. در بسیاری از کشورها قوانین مجرمانه برای روانکاوان، روان‌پزشکان یا پزشکانی که مدعی درمان همجنس‌گرایی هستند، وضع شده است.

اختلال هویت جنسی دیگر بیماری به شمار نمی‌آید

تا پیش از دوم دسامبر ۲۰۱۲ روان‌شناسان و پزشکان افرادی را که هویت جنسیتی و جنسی خود را با گوناگونی‌های هویتی تراجنسیتی توضیح می‌دادند، مبتلا به بیماری اختلال هویت جنسی یا Gender Identity Disorder می‌دانستند.

^{۶۸} نگاه کنید به:

Lewes, Kenneth. *Psychoanalysis and Male Homosexuality*. Lanham: J. Aronson, 2009.

^{۶۹} تصمیم انجمن روان‌پزشکی آمریکا تا حد زیادی مدیون تحقیقات آلفرد کینزی در مورد تمایلات جنسی همجنس‌خواهانه بین زنان و مردان بود. این تحقیقات علمی درهای تغییر فرهنگی را در میان روان‌پزشکان گشود؛ نگاه کنید به:

"LGBT Mental Health Syllabus." *Association of Gay and Lesbian Psychiatrists*. N.p., >. http://www.aglp.org/gap/1_history/#declassification <n.d. Web. 3 Nov. 2012.

اختلال هویت جنسی (GID) کلمه مورد استفاده توسط روان‌شناسان و پزشکان عضو انجمن روانپزشکی آمریکا بود که در کتابچه راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی نیز به ثبت رسیده و با برخی از نشانه‌های ذیل نسبت یافته بود:

- همذات پنداری دائمی با جنسیتی متفاوت و مخالفت با جنسیت خود فرد؛
- عدم هماهنگی جنسیت فردی با رفتارها و نقش‌های جنسیتی فرد؛
- میل به زندگی موقتی یا دائمی به عنوان یک عضو از جنس مخالف؛
- آرزو و میل به داشتن ایده‌آلهایی زیبایی، فیزیکی و بدنی جنس مخالف؛
- عدم اطمینان از هویت جنسیتی که موجب اضطراب، استرس یا افسردگی در فرد شود؛ حس بی‌قراری دائمی مرتبط با هویت جنسی، جنسیت یا اندام‌های جنسی.

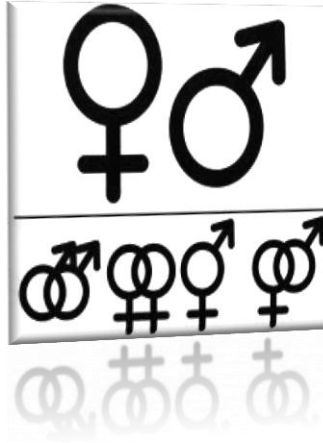
در ۲ دسامبر سال ۲۰۱۲ پس از تلاش مستمر کنش‌گران حقوق تراجنسیتی‌ها و همچنین تحقیقات بسیار روی عصب‌شناسی، ساختار مغز و ژنوم افراد تراجنسیتی، انجمن روانپزشکی آمریکا (APA) اعلام کرد که «اختلال هویت جنسی» را از لیست بیماری‌های روانی حذف و به جای آن شاخص «بی‌قراری جنسیتی» Gender Dysphoria را جایگزین می‌کند. به این ترتیب، تراجنسیتی‌ها دیگر بیمار محسوب نمی‌شوند اما اگر چنانچه احساس آن‌ها از هویت جنسی و جنسیتی‌شان با بی‌قراری، اضطراب و افسردگی همراه باشد، فرد برای شاخص بی‌قراری جنسیتی مورد درمان قرار خواهد گرفت.^{۷۰}

این تصمیم نقطه عطفی برای تراجنسیتی‌ها، نه تنها در آمریکا بلکه در کل جهان بود. راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی، منبعی جهانی برای پزشکان است که حتی در کشور ایران نیز به عنوان منبع تشخیصی برای بیماری‌های روانی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

^{۷۰} نگاه کنید به:

"A Milestone Change by the APA." *LGBT Weekly*. N.p., n.d. Web. 12 Jan. 2013. <<http://lgbtweekly.com/2012/12/13/a-milestone-change-by-the-apa>>.

در ایران، همان طور که در بخش‌های دیگر نیز ذکر شده است، با فتوای آیت‌الله خمینی مبنی بر آزادی تغییر جنیست، مراکز درمانی وابسته به سازمان بهزیستی یا مراکز خصوصی برای درمان بیماری «اختلال هویت جنسی» فعال شده‌اند. همیشه بیم آن می‌رفته است که همجنس‌گرایان ایرانی و یا کسانی که نسبت به جنسیت و گرایش جنسی خود دچار ابهام هستند، گرفتار سیستم‌های تادیبی و درمانی پزشکی برای درمان «اختلال هویت جنسی» شوند. اما تحقیقات افسانه نجم‌آبادی چنین مطرح می‌کند که این مراکز، فضای نسبتاً آزادی برای پذیرفتن اقلیت‌های جنسی ایجاد کرده‌اند.^{۷۱}



^{۷۱} نگاه کنید به ص. ۲۵:

Najmabadi, Afsaneh. "Transing and Transpassing across Sex-Gender Walls in Iran." *Women's Studies Quarterly* 36.3 & 4 (2008): 23-42
< <http://muse.jhu.edu/login?uri=/journals/wsq/v036/36.3-4.najmabadi.html>>.

فصل نهم

نمادها و تاریخ‌های مهم

رنگین کمان: پرچم رنگین کمان که در سال ۱۹۷۸ در توسط گیلبرت بیکر از هنرمندان ساکن سان فرانسیسکو برای استفاده در تظاهرات و رژه‌های عدالت‌خواهی دگرباشان جنسی طراحی شد. این پرچم، کم‌کم تبدیل به نمادی جهانی شد و امروز به عنوان نماد افتخار به گوناگونی و کثرت‌گرایی جنسی، توسط دگرباشان جنسی و حامیان ایشان در کشورهای مختلف استفاده می‌شود.^{۷۲}



نماد مثلث برعکس با نشان رنگین کمان:

نمادی که این روزها در نهادهای دولتی، مراکز مذهبی، دانشگاه‌ها، مدارس و فضاهای عمومی دیگر برای بیان حمایت از دگرباشان جنسی و کثرت‌گرایی استفاده می‌شود. این نماد را می‌توانید از انجمن‌های حمایت از حقوق دگرباشان جنسی در سازمان خود، کتاب‌فروشی‌های حامی حقوق دگرباشان جنسی و یا اینترنت تهیه کنید و با چسباندن آن به در

اتاق کارتان، میز کارتان یا فضایی که متعلق به شماست، از حقوق دگرباشان جنسی حمایت کنید.

^{۷۲} نگاه کنید به:

"LGBT History Month: Gilbert Baker and the rainbow flag | I'm A PFLAG Mom." *I'm A PFLAG Mom*. N.p., n.d. Web. 4 Nov. 2012. <<http://pflagmom.tumblr.com/post/33709802462/lgbt-history-month-gilbert-baker-and-the-rainbow-flag>>.

مثلث صورتی: نمادی است که نازی‌ها در دوران جنگ جهانی دوم برای شناسایی همجنس‌گرایان مرد از آن استفاده می‌کردند. در کوره‌های آدم‌سوزی آلمان نازی، همجنس‌گرایان بسیاری نیز قربانی فاشیسم شدند که آن‌ها را مخالف طبیعت و محکوم به مرگ می‌دانست. نازی‌ها پس از دستگیری همجنس‌گرایان، از نصب نماد مثلث صورتی به لباس آنان برای تحقیر و شناسایی‌شان در اردوگاه‌های کار استفاده می‌کردند.^{۷۳} پس از جنگ جهانی دوم، بسیاری از دگرباشان جنسی و حامیان حقوق آن‌ها، این نماد را برای احترام به همجنس‌گرایانی که جان خود را در آلمان نازی از دست دادند، برگزیدند.

مثلث سیاه: نماد شناسایی زنان همجنس‌گرا در زندان‌ها و اردوگاه‌های کار نازی‌ها بوده است. این نماد معمولاً برای تمام زنانی که نازی‌ها آن‌ها را فاسد قلمداد می‌کردند، استفاده می‌شده است؛ مانند زنان همجنس‌گرا، روسپی‌ها، زنان نازا یا بدون فرزند، یا زنانی «ناشزه» که از وظایف اجتماعی‌شان به عنوان همسر، مادر و زن خانه‌دار، سر باز می‌زدند. مثلث سیاه نیز درست مانند مثلث صورتی، پس از پایان جنگ جهان دوم برای احترام به زنانی که در اردوگاه‌های کار و کوره‌های آدم‌سوزی هیتلر جان باختند، تبدیل به نمادی برای افتخار به فمینیسم و همجنس‌گرایی در بین زنان شد.

روز جهانی مبارزه با همجنس‌گراستیزی، دو جنس‌گراستیزی و تراجنسیتی ستیزی

بین سال‌های ۱۹۴۸ و ۱۹۹۰، سازمان جهانی بهداشت (WHO) همجنس‌گرایی را به عنوان یک بیماری و اختلال روانی طبقه بندی می‌کرد. تحت تأثیر جنبش‌های احیای حقوق همجنس‌گراها که در آمریکا در سال‌های ۱۹۵۰ آغاز شده بود، انجمن روان‌پزشکی آمریکا، در سال ۱۹۷۳ همجنس‌گرایی را از لیست بیماری‌ها و لیست بیماری‌های روانی خارج کرد. کمپین‌های دگرباشان جنسی از سراسر جهان در نهایت منجر به این شد که در ۱۷ ماه مه سال ۱۹۹۰ سازمان بهداشت جهانی همجنس‌گرایی را از لیست بیماری‌ها و اختلال‌های روانی خارج کرد. از آن تاریخ به بعد روز ۱۷ مه، در میان جامعه جهانی

^{۷۳} برای آگاهی بیشتر از برخورد خشونت آمیز آلمان نازی با همجنس‌گرایان رجوع کنید به: Pierre, J. *Pierre Seel, Deported Homosexual: a Memoir of Nazi Yerror*. New York: Basic Books, 2011.

دگرباشان جنسی به عنوان روز جهانی مبارزه با همجنس‌گراستیزی، دوجنس‌گراستیزی و تراجنسیتی ستیزی، جشن گرفته می‌شود.

ماه افتخار به گوناگونی‌های گرایش‌های جنسی یا «پراید»

اعتراضات خیابانی و شورش خودجوش دگرباشان جنسی آمریکایی که برای چند روز در اواخر ماه ژوئن سال ۱۹۶۹ در خیابان‌های شهر نیویورک ادامه داشت، از واقع مهم تاریخ جنبش عدالت خواهی دگرباشان جنسی در آمریکا و سراسر جهان محسوب می‌شود. شب ۲۸ ژوئن سال ۱۹۶۹، پلیس نیویورک به پاتوق همجنس‌گرایان، دوجنس‌گرایان و تراجنسیتی‌ها در محله گرینویچ ویلج نیویورک برای سرکوب آن‌ها حمله کرد. بار و رستورانی با نام «استون وال این» (به مفهوم مسافرخانه استون وال) Stonewall، محل درگیری پلیس با شهروندان اقلیت جنسی در شهر نیویورک شد. پس از این واقعه، در اعتراض به حمله پلیس چندین اعتراض خیابانی خودجوش ابتدا در نیویورک و سپس در شهرهای مختلف آمریکا شکل گرفت. بسیاری معتقدند که این اعتراضات، آغاز جنبش جهانی حقوق دگرباشان جنسی بود.^{۷۴}

پس از شورش‌های «استون وال» در ۲۸ ژوئن ۱۹۶۹، ماه ژوئن تبدیل به ماه «رژه پراید» یا موعدی برای برپایی جشن افتخار دگرباشان جنسی به حضورشان در جوامعی شد که سال‌ها اقلیت‌های جنسی را از حقوق خود محروم کرده بودند. بدین ترتیب همه ساله در ماه ژوئن تظاهرات‌ها و رژه‌های خیابانی در کشورهای مختلف برای یادبود این

شورش‌های استون وال تبدیل به نمادی برای افتخار به جنبش‌های حق طلبی دگرباشان جنسی شد. همه ساله از سال ۱۹۷۰، تظاهرات و رژه‌های خیابانی‌ای در روز ۲۸ ژوئن برای یادبود این روز برگزار می‌شود. ماه ژوئن پس از ۲۸ ژوئن ۱۹۶۹ تبدیل به ماه «رژه پراید» یا جشن افتخار دگرباشان جنسی به حضور در جوامعی شد که سال‌ها اقلیت‌های

^{۷۴} نگاه کنید به:

Carter, David. *Stonewall : the riots that sparked the gay revolution*. New York: St. Martin's Press, 2010.

جنسی را از حقوق بشری خود محروم کرده بودند. تاریخ برگزاری مراسم «پراید» از شهر به شهر متفاوت است اما بیشتر شهرها سعی می‌کنند که رژه همجنس‌گرایان را در ماه ژوئن برگزار کنند.

صفحه ویکی‌پدیا انگلیسی با عنوان «فهرست واقع برای دگرباشان جنسی»^{۷۵} که توسط بسیاری از کنش‌گران حقوق دگرباشان جنسی به روز می‌شود، لیست کامل جشن‌ها و مراسم‌های مخصوص دگرباشان جنسی در شهرها و کشورهای مختلف را مدام به‌روز می‌کند.



⁷⁵ http://en.wikipedia.org/wiki/List_of_LGBT_events

فصل دهم

قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران

قانون جدید مجازات اسلامی کشور جمهوری اسلامی ایران و همجنس‌گراستیزی این قانون، زندگی بسیاری از دگرباشان جنسی را تحت شعاع قرار داده است. قانون جدید مجازات اسلامی با قوانینی بسیار سخت گیرانه نسبت به روابط جنسی همجنس با همجنس در تاریخ ۲۱/۰۱/۱۳۹۱ توسط ریاست مجلس شورای اسلامی به ریاست جمهوری ابلاغ شد تا مراحل انتشار آن انجام پذیرد. بسیاری از واژگانی که برای جرایم جنسی مربوط به روابط همجنس با همجنس به کار رفته است، از ادبیات فقه شیعه وارد قانون مجازات اسلامی شده است. این واژگان عبارت‌اند از:

جماع کردن: همان آمیزش جنسی است و شرط آن دخول آلت مردانه به مهبل یا مقعد مرد یا زن دیگری است.

وطی: همان جماع یا آمیزش جنسی است و شرط آن دخول آلت مردانه به مهبل یا مقعد مرد یا زن دیگری است.

دبر: سوراخ مقعد.

لواط: وطی دبر یا دخول به دبر (سوراخ مقعد) مرد است. دخول مقعدی بین دو مرد را می‌گویند.

تفخیز: عبارت است از قرار دادن اندام تناسلی مرد بین ران‌ها یا نشیمنگاه انسان مذکر.

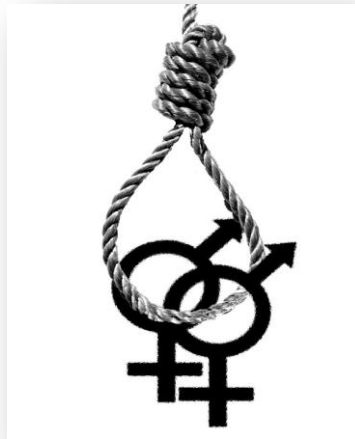
مساحقه: مالیدن مهبل (اندام تناسلی زنانه) بر مهبل زنی دیگر به مفهوم جماع جنسی بین دو زن یا بیشتر تعریف شده است که در آن مالش آلت‌های جنسی به هم مد نظر است.

فاعل: کسی که دخول را انجام می‌دهد.

مفعول: کسی که دخول بر او انجام می‌شود.

جرمانگاری روابط جنسی همجنس با همجنس در فصل دوم قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۱ آمده است و در آن، حد لواط اعدام تعیین

شده است. حد لواط برای فاعلی که تجاوز به عنف کرده باشد، مسلمان نباشد، یا با مرد مزدوج لواط کرده باشد، اعدام، و در غیر این صورت، صد ضربه شلاق است (ماده ۲۳۳) اما حد لواط برای مفعول در هر صورت اعدام است (همان). حد تفخیز صد ضربه شلاق است (ماده ۲۳۴) مگر آنکه فاعل غیر مسلمان باشد که حد او برای تفخیز نیز مرگ است (همان). همجنس‌گرایی فرد مذکر یا مونثی که نه لواط کرده باشد، نه تفخیز و نه مساحقه، حد ۳۱ تا ۱۷۴ ضربه شلاق دارد. (ماده ۲۳۷). حد مساحقه، صد ضربه شلاق است (ماده ۲۳۹).



تفاوت عمده قانون مجازات اسلامی نسخه مصوب ۱۳۹۱ با قانون مجازات قبلی در خصوص جرایم جنسی روابط همجنس با همجنس در این است که در قانونی قبلی، خود کنش جنسی جرم بود؛ به این مفهوم که لواط و مساحقه جرم بود، اما از گرایش جنسی فرد مجرم، صحبتی به میان نیامده بود. در قانون تصویب شده در سال ۱۳۹۱ برای اولین بار گرایش جنسی همجنس‌گرایی به عنوان یک جرم معین به قوانین مجازات اسلامی در جمهوری اسلامی ایران اضافه شد. این اقدام، محکوم کردن افراد را به گرایش جنسی همجنس‌گرایی که امری غیر قابل اثبات است، میسر می‌کند. به این ترتیب، افرادی که به شکلی محکوم به داشتن گرایش جنسی غیر دگرجنس‌گرا هستند، در معرض دستگیری و محکومیت قرار دارند.

فصل یازدهم

ادیان و دگرباشان جنسی

برخورد ادیان مختلف با روابط همجنس با همجنس و مسأله دگرباشی جنسی بسیار پیچیده است. ادیان معمولاً به شاخه‌ها و مذاهب مختلف تقسیم می‌شوند و در میان این مذاهب همیشه افرادی هستند که به دنبال خوانش‌های رهایی‌بخش از دین در مورد احکام جنسی دینی هستند.^{۷۶}

مسیحیت: به طور کلی در ادیان مسیحی روابط جنسی همجنس با همجنس گناه محسوب می‌شود و اشد مجازات (مرگ) را در پی دارد. کلیساهای پروتستان نسبت به مسأله احیای حقوق همجنس‌گرایان، دوجنس‌گرایان و تراجنسیتی‌ها حساسیت بیشتری دارند، اما کلیسای کاتولیک هیچ گونه تمایلی برای بازنگری احکام مربوط به روابط جنسی همجنس با همجنس، نشان نداده است.^{۷۷} رابطه کلیسا و دگرباشان جنسی هر روز دست تغییرات است. صفحه ویکی‌پدیای انگلیسی کلیساهایی را که از حقوق دینداران

^{۷۶} برای نگاهی کامل و شامل به مسأله نگاه ادیان در دوران مدرن به رابطه جنسی همجنس با همجنس نگاه کنید به:

Boisvert, Donald L. *Queer Religion: Homosexuality in Modern Religious History*. Santa Barbara, Calif.: Praeger, 2012.

برای نگاهی نظری به مسأله وارد کردن مسأله دگرباشی جنسی در چهارچوب ادیان و خداپرستی نگاه کنید به:

Reid, Marcella. *The Queer God*. London New York: Routledge, 2003.

^{۷۷} برای آگاهی بیشتر در مورد برخورد مسیحیت در دوران پیشامدرن با مسأله روابط جنسی همجنس با همجنس نگاه کنید به:

Boswell, John. *Christianity, social tolerance, and homosexuality : gay people in Western Europe from the beginning of the Christian era to the fourteenth century*. Chicago London: University of Chicago Press, 1980.

برای خوانش‌هایی از انجیل که همجنس‌گرایی را می‌پذیرند نگاه کنید به:

Sphero, M. *The gay faith : Christ, scripture, and sexuality*. New York: Herms Press, 2011.

دگرباش جنسی حمایت می‌کنند به طور مداوم به‌روز می‌کند. برای اطلاعات بیشتر در مورد این کلیساها، به صفحه «کلیساهای در بر گیرنده دگرباشان جنسی» در ویکی‌پدیا رجوع کنید.^{۷۸}

یهودیت: در نگاه خاص یهودیان ارتدکس به تورات، تلمود و دیگر کتب مذهبی، همجنس‌گرایی علیه طبیعت و کاری ضد خداست که مستحق شدیدترین مجازات‌هاست. با این حال، در سال‌های اخیر دانشمندان دینی یهودی مسأله «پذیرش گناهکار اما نه خود گناه» را مطرح کرده‌اند. با توجه به اینکه کشور اسرائیل، به عنوان یک کشور سکولار، از حقوق دگرباشان جنسی حمایت قانونی می‌کند، نهادهای مذهبی اسرائیلی که میانه‌رو هستند مسأله پذیرش تفاوت‌های انسانی را مطرح کرده‌اند. در میان گروه‌های همجنس‌گرای مذهبی، یهودیان دگرباش جنسی بسیار فعال هستند و شاخه‌های ارتدوکس و بنیادگرای یهودی را مدام به چالش می‌کشند.^{۷۹}

بودیسم: همجنس‌گرایی در این آیین ربطی به زندگی دینی افراد ندارد و مسأله‌ای شخصی است. بر اساس دستورهای بودا (یا برداشت بوداییان معاصر از دستورات بودا)، یک همجنس‌گرا دقیقاً مثل یک دگرجنس‌گرا باید با احترام و خردورزی نسبت به اطراف و اطرافیان خود مسئول باشد.

هندویسم: در میان مذاهب مختلفی که مبدأ پیدایش آن‌ها کشور هند بوده است، مسأله همجنس‌گرایی، به مفهوم گرایش آن، به ندرت در ادبیات دینی مطرح می‌شود؛ اما رهبران دینی معاصر نسبت به مسأله رابطه جنسی همجنس با همجنس مواضع سخت‌گیرانه دارند و همجنس‌گرایی را مردود می‌دانند. با این حال، هندویسم سنت دیرینه پذیرش تراجنسیتی‌ها را دارد و برخی از خدایان هندوها حالت نرامادگی دارند. مسأله جنس سوم و کسانی که نه زن هستند و نه مرد، در باورهای هندوها وجود دارد.

⁷⁸ http://en.wikipedia.org/wiki/LGBT-affirming_Christian_denominations

^{۷۹} برای آشنایی بیشتر با افکار دانشمندان دین که مشغول به چالش کشیدن خوانش‌های همجنسگراستیز از متون مذهبی یهودی هستند، نگاه کنید به:

Ramer, Andrew. *Queering the text : biblical, medieval, and modern Jewish stories*. Maple Shade, NJ: Lethe Press, 2010.

اسلام: آشکارا همجنس‌گرایی را گناه و همجنس‌گرایان را گناهکار و محکوم به مرگ می‌داند. با این حال، گروه‌های همجنس‌گرا و حتی امامان همجنس‌گرا در مذاهب اهل تسنن در صدد اثبات این مسأله هستند که داستان قوم لوط در قرآن دارای خوانش‌های متفاوتی است و قوم لوط همجنس‌گرا نبوده‌اند.^{۸۰} بر طبق احکام اکثر مراجع شیعه، حکم لواط بین مردان مرگ است. حکم مساحقه بین زنان شلاق است و پس از چهاربار تکرار جرم، حکم اعدام صادر می‌شود.^{۸۱} احکام شیعه اما مسأله تراجنسیتی بودن را لحاظ کرده‌اند و آیت‌الله خمینی نیز با فتوی تغییر جنیست، هویت‌های تراجنسیتی را عملاً در چهارچوب قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران و برای مقلدان خود، قانونی کرد.

دیانت بهایی: تنها نوع رابطه جنسی را در رابطه مقدس ازدواج بین یک زن و یک مرد، مشروع می‌داند. همجنس‌گرایی در بهائیت محکوم است، اما حکم سیاسی/قضایی برای مجازات وجود ندارد و بیت‌العدل نیز در

^{۸۰} نگاه کنید به:

MACFARQUHAR, NEIL. "Gay Muslims Find Freedom, of a Sort, in the U.S. - New York Times." *The New York Times - Breaking News, World News & Multimedia*. N.p., n.d. Web. 4 Nov. 2012. <http://www.nytimes.com/2007/11/07/us/07gaymuslim.html?_r=2&>.

"Daayiee Abdullah: Being Out And Being Muslim." *Muslim Voices: Islam Blog, Videos and Podcasts Promoting Intercultural Dialogue*. N.p., n.d. Web. 4 Nov. 2012. <<http://muslimvoices.org/daayiee-abdullah-being-out-muslim/>>.

"Cape of Good Hope: the gay imam." *AL-BAB: an open door to the Arab world*. N.p., n.d. Web. 4 Nov. 2012.

"Muhsin Hendricks: An Openly Gay Imam Speaks." *Black News, Opinion, Politics and Culture - The Root*. N.p., n.d. Web. 4 Nov. 2012. <<http://www.theroot.com/views/root-interview-muhsin-hendricks>>.

^{۸۱} آیت‌الله روح‌الله موسوی خمینی و آیت‌الله حسینعلی منتظری دو نفر از فقیهانی بودند که آرای فقهی شان تأثیرات بسیاری بر قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران داشته است. برای احکام لواط از نگاه آیت‌الله خمینی نگاه کنید به:

<http://www.aviny.com/Ahkam/ResalehImam/resale19.aspx>

برای احکام لواط از نگاه آیت‌الله منتظری نگاه کنید به:

<http://www.amontazeri.com/Farsi/resaleh/html/0573.htm>

<http://www.amontazeri.com/farsi/resaleh/html/0575.htm>

برای احکام مساحقه از نگاه آیت‌الله خمینی نگاه کنید به:

http://www.isu.ac.ir/Publication/Neda-ye-Sadiq/Neda-ye-Sadiq_36/Neda-ye-

<http://islamquest.net/fa/archive/question/fa9569> و [Sadiq_3604.htm](http://www.isu.ac.ir/Publication/Neda-ye-Sadiq/Neda-ye-Sadiq_3604.htm)

برای احکام مساحقه از دید آیت‌الله منتظری نگاه کنید به:

[.http://www.amontazeri.com/farsi/resaleh/html/0574.htm](http://www.amontazeri.com/farsi/resaleh/html/0574.htm)

این خصوص موضع خاصی نگرفته است. به طور کلی اما بهائیت ضمن گناه شمردن کنش همجنس‌گرایی، مساله پذیرش انسان‌ها را هم مطرح می‌کند و تا کنون خشونت خاصی از جانب پیروان دیانت بهایی نسبت به همجنس‌گرایان ثبت نشده است.

دین زرتشتی: اوستا صحبتی از همجنس‌گرایی به میان نمی‌آورد و این امر، رابطه پیروان دین زرتشت را با همجنس‌گرایی پیچیده کرده است. برخی از موبدان معاصر، همجنس‌گرایی را عملی شنیع می‌دانند؛ اما در میان دانشمندان دین‌شناس در مورد نظر نهایی متون زرتشتی در زمینه همجنس‌گرایی اختلاف وجود دارد.



فصل دوازدهم

اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در رابطه با دگرباشان جنسی

- در مورد گرایش جنسی افراد تجسس نکنید. گرایش جنسی افراد، مسأله‌ای خصوصی است که تا خودشان با شما در میان نگذاشته‌اند، تجسس و تفتیش در مورد آن خلاف اصول اخلاق حرفه‌ای است و تبعیض جنسی و جنسیتی محسوب می‌شود.
- گرایش جنسی افراد تنها در صورتی منتشر می‌شود که فرد موافقت خود را در این باره به صورت رسمی و واضح اعلام کرده باشد.
- محرمانه بودن گرایش جنسی و حفظ حریم خصوصی افراد دگرباش جنسی و نزدیکانشان همیشه باید در نظر گرفته شود؛ خصوصاً که در پیوند با زبان فارسی و در کشورهای ایران و افغانستان، با روابط جنسی همچنس با همچنس با اشد مجازات برخورد می‌شود.
- قبل از مصاحبه با فردی که گرایش جنسی او موضوع مصاحبه خواهد بود، از فرم‌های اجازه‌نامه استفاده کنید و اجازه کتبی وی را برای انتشار مصاحبه کسب کنید.
- اخلاق روزنامه‌نگاری حکم می‌کند که هرگاه خطری برای فرد به دلیل انتشار مطلبی در مورد گرایش جنسی‌اش ایجاد شود و فرد اعتراضی داشته باشد، مسأله امنیت جانی و مالی فرد از همه چیز مهم‌تر است و باید به آن رسیدگی شود.
- آشکارسازی گرایش جنسی افراد متوفی، تنها در صورتی مانع اخلاقی ندارد که این آشکارسازی موجب انتشارات اطلاعات از روابط جنسی مستقیم و غیر مستقیم ایشان با افراد زنده نشود. در این صورت، کسب اجازه کتبی از افراد زنده در این ارتباط الزامی است.

- جهت گیری تبعیض آمیز و قضاوت جنسی در مورد افراد دگرباش جنسی، خلاف اصول اخلاق حرفه‌ای است.
 - علنی کردن بیماری افراد مبتلاء به بیماری ایدز و ویروس اچ آی آنان، خلاف قانون بیشتر کشورهای غربی و خلاف اصول اخلاق حرفه‌ای است.
 - خشونت کلامی مستقیم و یا تلویحی به افراد دگرباش جنسی در محصولات رسانه‌ای، خلاف اخلاق حرفه‌ای است و می‌تواند پیگرد قانونی نیز داشته باشد.
 - وظیفه روزنامه‌نگار انتشار اطلاعات مستدل و احترام به حقوق شهروندان دگرباش جنسی در چهارچوب قوانین بین‌المللی و قوانین کشور محل سکونت و قوانین رسانه‌ای است.
 - انتشار مطالب و یا تولید محصولات فرهنگی‌ای که به وضوح و یا تلویحا تبعیض اجتماعی علیه دگرباشان جنسی را تبلیغ می‌کنند، خلاف اصول اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری است.
 - تبعیض علیه دگرباشان جنسی در محیط کاری رسانه‌ای خلاف برخورد حرفه‌ای با همکاران است. دگرباشان جنسی ممکن است در بین همکاران شما باشند و با ایجاد محیط کاری که نسبت به حقوق دگرباشان جنسی مثبت است و پیگیر احیای حقوق آنهاست، شما می‌توانید از کمک‌های همکاران دگرباش جنسی‌تان در این راه بهره‌مند شوید.
- هم‌اکنون قوانین حمایت از حقوق دگرباشان جنسی در نه (۹) کشور، هیچ گونه تبعیض بر اساس گرایش جنسی و هویت جنسیتی را نمی‌پذیرد و در صورت وجود تبعیض، قوانینی برای مبارزه با آن موجود است. این کشورها (شامل آفریقای جنوبی، آرژانتین، ایسلند، بلژیک، کانادا، هلند، نروژ، سوئد و اسپانیا) به طور جدی بر احقاق حق اقلیت‌های جنسی و جنسیتی تاکید دارند. این به مفهوم آن است که اضافه بر قوانین مربوط به آزار و اذیت، خشونت فیزیکی و کلامی، توهین، افترا، تهمت و نقض حریم خصوصی، مساله تبعیض آشکار علیه افراد بر اساس جنسیت، گرایش جنسی و هویت جنسیتی آنان نیز پیامد قانونی دارد.

در دیگر کشورها مانند ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، بیشتر کشورهای عضو اتحادیه اروپا، استرالیا و نیوزلند نیز قوانین حفظ حریم شخصی، احقاق حق در صورت توهین، آزار و اذیت فیزیکی، کلامی، روحی و روانی، افترا و تهمت، وجود دارد. در صورتی که رسانه‌ها حقوق دگرباشان جنسی را به رسمیت نشناسند، کلام تنفرآمیز منتشر کنند یا به تبلیغ نفرت‌ورزی و خشونت کلامی مبادرت ورزند و ...، قوانین حمایتی از افراد و سازمان‌ها در چهارچوب قانونی همه کشورهای ذکر شده وجود دارد و می‌تواند برای رسانه‌ها پیامد و پیگرد قانونی داشته باشد.



نهادهای و نشریات دگرباشان جنسی ایرانی

www.  .com 

- ✓ <http://www.degarbash.net> : انجمن دگرباشان ایرانی
- ✓ انجمن جوانان سوئدی حقوق قانونی دگرباشان جنسی:
<http://sprak.rfslungdom.se/fa>
- ✓ تالار گفت‌وگوی همجنس‌گرایان ایران <http://ihag.forumotion.com>
- ✓ دگروازه: واژه نامه دگرباشان جنسی: <http://degarvajeh.com/?q=home>
- ✓ سازمان دگرباشان ایرانی: <http://persian.irqr.net>
- ✓ سازمان دگرباشان جنسی ایرانی: <http://www.irqo.org/persian>
- ✓ همجنس‌گرا: <http://www.hamjensgera.com>
- ✓ خانه هنر: لینک وبلاگ‌های دگرباشان جنسی (همجنس‌گرایان- دوجنس‌گرایان- دو جنس‌گونگان) ایرانی: <http://khanehonar2.blogspot.ca>
- ✓ گردهمایی همجنس‌گرایان ایران: <http://ggm-parsi.blogspot.ca>
- ✓ رهایی‌جویان همجنس‌گرایان ایرانی (سازمان حمایت از همجنس‌گرایان ایرانی مقیم بریتانیا): <http://www.pergll.org.uk/persian>
- ✓ رهایی‌جویان همجنس‌گرایان ایرانی در فیس بوک :
<https://www.facebook.com/Pergll.organisation>
- ✓ شبکه اچ آی وی/ایدز دگرباشان ایرانی (نینکها): <http://www.niqha.net>
- ✓ نمایشگاه کتاب دگرباش: <http://ketabkhaneh88.blogspot.ca>
- ✓ جغد دانا: محلی برای پرسش و پاسخ در خصوص روابط جنسی، سلامتی جنسی و بیماری‌های مقاربتی: <http://joghdedana.tumblr.com>
- ✓ ندا: نشریه دگرباشان جنسی ایرانی: <http://www.nedamagazine.net>

- ✓ رها: رادیوی همجنس‌گرایان ایرانی: <http://www.radoraha.net>
- ✓ چراغ: نشریه و وبلاگ دگرباشان جنسی ایرانی: <http://cheragh.org>
- ✓ کارگاه خبر گروه ژوپی آ: خبرها با محوریت حقوق جنسی:
<http://fa.news.joopea.com>
- ✓ رادیو رنگین کمان: رادیوی مستقل همجنس‌گرایان، دوجنس‌گرایان و ترنسکشوال‌های فارسی: <http://www.radoranginkaman.com>
- ✓ فیس بوک رادیو رنگین کمان:
<https://www.facebook.com/Radoranginkaman>
- ✓ مجله اقلیت: <http://aghaliat.blogspot.ca>
- ✓ مجله اقلیت در فیس بوک: <https://www.facebook.com/Aghaliat>
- ✓ صفحه دگرباش رادیو زمانه:
<http://archive.radiozamaneh.com/society/degarbash>
- ✓ تریبون کوپیر: <https://www.tribunezamaneh.com/archives/tag/lgbt>
- ✓ مجله الکترونیکی من مثل تو: <http://manmesleto.wordpress.com>
- ✓ ماها: مجله الکترونیکی همجنس‌گرایان ایران:
<http://majalehmaha.wordpress.com>

Media Training Manual

Unless otherwise indicated, all materials contained in this document are the property of the International Gay and Lesbian Human Rights Commission (IGLHRC) and may be reproduced, distributed, transmitted, displayed, published or broadcast for non-for-profit and/or educational purposes free of charge and without written consent from IGLHRC. Any reproduction of IGLHRC material should be done with proper acknowledgment and citation.

Copyright © 2013 by IGLHRC.

ISBN: 1-894256-61-2

Publisher's Cataloguing-in-publication Data

1. Society and Culture, Persian Society, Human Rights, LGBT Rights -- 21th century

I. Title.PK 6561.G33k3 2013

International Gay and Lesbian Human Rights Commission



I G L H R C
INTERNATIONAL GAY AND LESBIAN
HUMAN RIGHTS COMMISSION

2013

**INTERNATIONAL GAY AND LESBIAN
HUMAN RIGHTS COMMISSION**

How to Discuss **LGBT** Issues

**A Manual for Iranian
Media Professionals**

